



ISSN: 2980-9614

*Rational Explorations*  
Vol.3, No.2, Autumn 2024



---

## Philosophical Analysis of Rationality to Clarify Aspects of Harm and Integrity in the Domain of Enjoining Good and Forbidding Evil

Mahmoud Abdovand <sup>1</sup>, Ali Roshanizadeh <sup>2</sup>, Jahanbakhsh Rahmani <sup>3</sup>

<sup>1</sup> PhD student, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Khorasgan branch, Isfahan, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Ilam branch, Ilam, Iran.

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran

---

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:**  
Research Article

**Received:**  
22/06/2024

**Accepted:**  
02/10/2024

*The present study aims to examine the role of rationality in the theories of philosophers and clarify the instances of harm and integrity within the context of enjoining good and forbidding evil from this perspective. This qualitative research was conducted using grounded theory with a comparative-analytical approach. The research domain encompassed all scientific documents related to philosophy and religion, where the views of philosophers on rationality and concepts associated with the religious duty of enjoining good and forbidding evil could be extracted. The data collection tools included note-taking related to the concepts of rationality and enjoining good and forbidding evil. In the first stage, relevant statements from texts addressing the main objective of the research were selected and coded. The concept of rationality was compiled from 43 codes derived from the views of 30 philosophers and thinkers. In the second stage, 350 selected codes were categorized under the headings "reason," "rational person," and "rational action." In the third stage, the selected categories of enjoining good and forbidding evil were studied and compared with the chosen codes from the second stage, and were classified based on their alignment or misalignment with the views of philosophers. Strauss and Corbin's proposed method was used for data analysis. The results showed that concepts related to enjoining good and forbidding evil, such as the sufficiency of rational judgment, issuing commands and prohibitions, the responsibility of governance, sense of responsibility, human duty, change and progress, religious obligation, the welfare of humanity, maintaining security, interaction between people and the government, governmental structure, and adherence to the law, were aligned with the views of philosophers and were deemed rational. Additionally, the concepts of enjoining good and forbidding evil were analyzed for harm within four categories: law, religion, politics, and progress. Reductionism, gender segregation, and granting privileges were identified as some of the harms.*

**Keywords:** Enjoining Good; Forbidding Evil; Harm and Integrity; Rationality

---

\*Corresponding Author: Ali Roshanizadeh

Address: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Ilam branch, Ilam, Iran.

E-mail: rowshani.education@yahoo.com

---



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



## تحلیل جایگاه فلسفی عقلانیت

به منظور تبیین مصادیق آسیب و سلامت در حوزه امر به معروف و نهی از منکر

محمود عبدوند<sup>۱</sup>، علی روشنی زاده<sup>۲</sup>، جهانبخش رحمانی<sup>۳</sup>

۱- دانشجو دکترا، گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران

۲- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ایلام، ایران.

۳- استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه عقلانیت در نظریه‌های فیلسوفان و تبیین مصادیق آسیب و سلامت در حوزه امر به معروف و نهی از منکر از این منظر انجام شد. این پژوهش از جمله پژوهش‌های کیفی است و با استفاده از روش گرداند تئوری با رویکرد تطبیقی - تحلیلی انجام پذیرفت. حوزه پژوهش شامل تمامی اسناد علمی در حوزه فلسفه و دین بود که نظرات فلاسفه در حوزه عقلانیت و مفاهیم مرتبط با فریضه دینی امر به معروف و نهی از منکر در آنها قابل استخراج بود. ابزار گردآوری اطلاعات شامل فیش- برداری مرتبط با مفهوم عقلانیت و امر به معروف و نهی از منکر بود. در مرحله نخست از متون مرتبط با موضوع، جملات مرتبط با هدف اصلی پژوهش انتخاب و کدگذاری شدند. مفهوم عقلانیت در ۳۴۰ کد از دیدگاه ۹۳ فیلسوف و اندیشمند تدوین گردید. در مرحله دوم از میان این کدهای باز، محقق ۱۵۳ کد انتخابی را با عنوان «عقل، عاقل و عاقلانه» برگزید. در مرحله سوم مقوله‌های انتخابی مفهوم امر به معروف و نهی از منکر با کدهای انتخابی مرحله دوم مورد مطالعه و تطبیق قرار گرفتند و بر اساس همسویی و ناهمسویی با نظرات فلاسفه در جدول طبقه‌بندی گردیدند.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲	برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پیشنهادی استراوس و کوربین استفاده گردید. نتایج نشان داد مفاهیم امر به معروف و نهی از منکر از جمله کفایت تشخیص عقلی، امر و نهی کردن، وظیفه حاکمیت، احساس مسئولیت، وظیفه انسانی، تغییر و پیشرفت، وجوب شرعی، خیر بشریت، حفظ امنیت، تعامل مردم و دولت، ساختار دولتی، پیروی از قانون و ... با نظرات فیلسوفان همسویی داشته و آنها را عقلانی تشخیص داده‌اند. همچنین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در چهار مقوله قانون، دین، سیاست و پیشرفت آسیب‌شناسی شد.
پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱	فروکاهی، تفکیک جنسیتی و امتیازی کردن از جمله آسیب‌ها بودند. کلیدواژه: عقلانیت - امر به معروف - نهی از منکر - آسیب و سلامت

## ۱- مقدمه

ویژگی مهم آدمیان این است که راجع به خود و جهان پیرامون خود باورهایی دارند و در شرایط خاصی این باورها را تغییر می‌دهند، به عبارت دیگر، از میان موجودات زنده تنها آدمی این توانایی را دارد که باورهایی را بسازد و یا آنها را تغییر دهد. این بُعد از آدمی که به قوای معرفتی او مربوط می‌شود گاهی فرایند باورسازی<sup>۱</sup> و فرایند تنظیم باور<sup>۲</sup> نامیده شده است.

«عقلانیت» در سه زمینه متفاوت به کار می‌رود و هریک از این سه کاربرد عنوانی خاص هم دارد. فلاسفه در زمینه ارزیابی باورها - و یا حتی گزاره‌ها و یا تصمیمات - از تعبیر «عقلانیت نظری»<sup>۳</sup> استفاده می‌کنند. عقلانیت نظری به این امر مربوط می‌شود که به چه اموری باید باور داشته باشیم. در مقابل، «عقلانیت عملی»<sup>۴</sup> به حوزه رفتارها مربوط می‌شود و با این امر سر و کار دارد که چه رفتارهایی را باید انجام دهیم. و بالاخره، عقلانیت ارزش‌شناختی<sup>۵</sup> به این مساله می‌پردازد که به چه چیزهایی باید ارزش قایل شویم (استینمارک، ۱۹۹۵).

اولین بار، ارسطو انسان را به عنوان «حیوان عاقل» تعریف کرد. مسلمان‌ها هم این تعریف را به «حیوان ناطق» ترجمه کردند مقصود ارسطو این بود که از میان حیوانات فقط انسان از موهبت عقل و قوه عاقل برخوردار است و فلاسفه مسلمان هم بالاترین تجلی قوه عاقله را در ویژگی ناطق بودن او دانسته‌اند. چرا که تنها موجودی که عاقل است می‌تواند ناطق باشد. «عاقل بودن» ویژگی خاص انسان است.

عقلانیت گاهی در مقابل ناعقلانیت<sup>۶</sup> به کار می‌رود و گاهی هم در مقابل ضد عقلانیت<sup>۷</sup>. این دو کاربرد با هم متفاوت‌اند و خلط آنها به مغالطه می‌انجامد. باورها و رفتارها برخلاف اشیای خارجی، شأنیت موصوف شدن به عقلانیت را دارند، این سخن بدین معنا است که رفتارها و باورهای خاص می‌توانند معقول و یا غیرمعقول باشند، ولی اشیای خارجی، قابلیت معقول و یا غیرمعقول بودن را ندارند. در چنین بافتی، ما عقلانیت را در مقابل ضد عقلانیت به کار می‌بریم. ضد عقلانیت در مواردی به کار می‌رود که

<sup>1</sup> belief-formation process

<sup>2</sup> belief-regulation process

<sup>3</sup> theoretical rationality

<sup>4</sup> practical rationality

<sup>5</sup> axiological rationality

<sup>6</sup> irrationality

<sup>7</sup> arationality

قابلیت انصاف به عقلانیت را ندارند و بیرون از حوزه عقلانیت قرار می‌گیرند و عقلانیت - به این معنا - در مواردی است که قابلیت انصاف را دارند و پرسش از عقلانیت در آنها مطرح می‌شود. عقلانیت به این معنا را می‌توانیم عقلانیت به معنای وسیع در نظر بگیریم؛ چرا که مسئله عقلانیت در قلمروی این موارد مطرح می‌شود.

مقصود ارسطو هم این بوده که آدمیان موجوداتی هستند که شأنیت انصاف به عقلانیت را دارند. یعنی رفتارها و باورهایشان قابلیت معقول شدن را دارند، عقلانیت به معنای وسیع در مورد آدمیان به کار می‌رود، نه اینکه همه باورها و رفتارهای آدمیان معقول است. انسان بدین معنا عاقل است که توانایی به کارگیری عقل را دارد، نه اینکه در هر موردی عقل خودش را درست به کار می‌گیرد. برخی برای تفکیک این دو معنا میان عقلانیت نوعی<sup>۱</sup> و عقلانیت هنجاری<sup>۲</sup> فرق می‌گذارند. عقلانیت نوعی بدین معنا است که موصوف به عقلانیت توانایی به کارگیری عقل را دارد و می‌تواند ملاک‌های عقلانیت را برآورده سازد. اما این توانایی بدین معنا نیست که ما همواره عقل خود را به شیوه‌ای درست به کار می‌گیریم و در هر موردی به نحوی معقول می‌اندیشیم یا رفتار می‌کنیم. در مقابل، عقلانیت هنجاری در موردی به کار می‌رود که عقل و ملاک‌های عقلانیت را به نحوی دقیق به کار بسته باشیم (استینمارک، ۱۹۹۵).

عقلانیت نوعی شرط لازم برای عقلانیت هنجاری است، اما شرط کافی برای آن نیست. سوسا<sup>۳</sup> عقلانیت هنجاری را با معنای ارزش‌گذارانه<sup>۴</sup> عقلانیت و عقلانیت نوعی را با معنای مقولی<sup>۵</sup> آن، نشان می‌دهد. معقول بودن یک رفتار یا باور و یا ارزیابی خاص به معنای تأیید و مقبول دانستن آن است. به عبارت دیگر، عقلانیت از لحاظ معرفت‌شناختی بار مثبت دارد. همان طوری که «توجیه» در معرفت‌شناسی برای ارزیابی به کار می‌رود؛ یعنی وقتی می‌گوییم باوری موجه است مرادمان این است که نوعی ارزیابی مثبت به آن داریم، معقولیت یا عقلانیت هم بر همین منوال است. چیزم<sup>۶</sup> این نکته را

<sup>1</sup> generic rationality

<sup>2</sup> normative

<sup>3</sup> Sosa

<sup>4</sup> evaluative

<sup>5</sup> categorical

<sup>6</sup> Chisholm

خاطر نشان کرده است: اصطلاح «توجیه» را وقتی در مورد یک باور به کار می‌بریم، به عنوان یک واژه ارزیابی معرفتی به کار می‌بریم.

از این گذشته، عقلانیت هنجاری مستلزم «باید» هم هست؛ بدین معنا که به ما می‌گوید چگونه باید به آنچه که انجام می‌دهیم یا باور داریم، نظم و سامان ببخشیم و به چه چیزهایی مثلاً باید باور داشته باشیم، یا چه رفتارهایی را باید انجام دهیم. از این رو، گاهی برای توصیف این نوع عقلانیت، عقلانیت وظیفه‌شناختی<sup>۱</sup> است. به عبارت دیگر، هنجاری بودن عقلانیت بر مؤلفه‌ای وظیفه‌شناختی دلالت دارد. عقلانیت ابزاری مفهومی نسبی است؛ بدین معنا که آنچه که مردی بدان باور دارد یا آن را انجام می‌دهد نسبت به اهدافش عقلانیت دارند. به عبارت دیگر، باورها و رفتارها نسبت به اهداف شخص عقلانیت دارند. عقلانیت ابزاری به معنای دیگری نیز نسبی است؛ برای ارزیابی نه تنها رفتارها و باورهای دیگران باید به اهداف آنها معرفت داشته باشیم؛ بلکه باید به بافت واقعی که در آن زندگی می‌کنند نیز معرفت داشته باشیم. فرض کنید من باید از مکانی به مکان دیگر در دور دست بروم و برای رسیدن به آنجا می‌دوم. صرف رسیدن به مکان مورد نظر دویدن مرا را معقول نمی‌سازد چرا که می‌توانستم با وسیله نقلیه‌ای به آنجا بروم و زودتر برسیم. اما اگر فرض کنیم راه رسیدن به آنجا مسدود بود و در نتیجه، من نمی‌توانستم با وسیله نقلیه به آنجا بروم، در چنین صورتی دویدن من معقول به نظر می‌رسید. بنابراین، بدون توجه به شرایط و بافت خاص رفتار چنین عملی معقول به نظر نمی‌رسد، اما با توجه به شرایط مذکور، معقولیت ابزاری آن روشن می‌شود. و خلاصه آنکه، عقلانیت ابزاری به دو معنا نسبی است (۱) برای ارزیابی باید اهداف را هم در نظر گرفت و عقلانیت در نسبت به اهداف معنا پیدا می‌کند. (۲) برای ارزیابی باید شرایط و بافت رفتارها را هم در نظر گرفت و عقلانیت در نسبت به این شرایط روشن می‌شود (استینمارک، ۱۹۹۵). بر طبق این برداشت از عقلانیت، انسان عاقل کسی است که هم می‌تواند اهداف مناسبی را انتخاب کند و هم می‌تواند ابزارهای متناسب با آن اهداف را تعیین کند. در نتیجه، عقلانیت کل‌نگر ابعاد نظری — عملی و ارزش‌شناختی دارد؛ در بُعد نظری — عملی با برقرار کردن روابط مناسبی میان ابزارها و اهداف سروکار دارد، ولی از لحاظ بُعد ارزش‌شناختی با یافتن ارزشها و اهداف مناسبی سروکار دارد.

<sup>۱</sup> deontological

از میان دیدگاه‌های اسلامی، فارابی با دقت و تبحر خاص و ابتکاری، معانی و کاربردهای متعدد و متنوع واژه‌ی عقل را در شش معنای مهم و کاربردی تعریف کرده است. این گونه تنظیم سلسله مراتب عقل (نفس) انسانی، برای نخستین بار توسط فارابی انجام شده است. ابن سینا مراتب عقل نظری را عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد را مطرح کرده و از عقل فعال و عقل قدسی نام برده است.

در متون اسلامی از سویی گاهی فهم و شناخت با عقل مترادف دانسته شده است. به طور مثال، در روایات تعبیر «عقل گفتاری» به عقل روایت و «عقل کرداری» به عقل رعایت به کار رفته است. تعبیر عقل گفتاری حاکی از آن است که فعالیت شناختی و گفتاری صرف را هرچند به عمل درنیامده باشد می‌توان عقل نامید. با این حال، تعبیر عقل کرداری به چیزی فراتر از شناخت ناظر است. عقل کرداری، حاکی از توجه بلکه التزام به لوازم عملی چیزی است که فرد آن را مورد درک و فهم قرار داده است. بنابراین عقل، محدود به شناخت نیست بلکه شناخت محدودۀ ناتمامی از عقل است.

امر به معروف و نهی از منکر یکی از سنت‌های مهم اسلامی است که پیش‌گیرنده فساد است، نوعی خیزش و مشارکت همگانی در برابر فساد و نارسایی‌ها و شاهراهی برای رسیدن به قله کمال است. بشر با همه پیشرفت در صنعت و تکنولوژی به علت نداشتن یک جهان‌بینی صحیح و فقدان یک دیدگاه درست در امر تعلیم و تربیت و همچنین عدم آشنایی با مکانیسم رفتاری انسان گرفتار بحران‌های شدید و ناهماهنگی‌های فراوان در فرایند تعلیم و تربیت انسان در جهان گردیده است (فرهادیان، ۱۳۷۲).

از آنجا که در جوامع امروزی ارزش‌ها دچار تغییر شده و گاهی رفتارهای ناپسند جایگزین ارزش‌های خوب متعالی گردیده است و افراد جامعه نسبت به رواج رفتارهای ناپسند بی‌تفاوت شده‌اند و احساس مسئولیت و نظارت عمومی در قبال جامعه در حال انحطاط است، لزوم توجه به عوامل این ناهنجاری‌ها کاملاً مشهود است. یکی از راه‌های اصلاح جامعه توجه به امر به معروف و نهی از منکر آن است که توجه به این فریضه مهم دین اسلام، نشانه رشد و تعالی است که اجزای آن با روش‌های صحیح و کارآمد موجب احیای آن می‌گردد و در پرتو پویایی این فریضه اشتیاق مخاطبین برای پذیرش فزونی یافته و نگرانی‌ها رفع می‌گردد و با بسامانی امور راه تعالی و رشد برای انسان و جامعه هموار می‌گردد. اصل مهم تمامی شریعت‌های الهی، بر امر به معروف و نهی از منکر، اطاعت، دوستی، رحمت و مدارا است. امر به معروف و نهی از منکر برجسته‌ترین، واجب در بین واجب‌ها است (نهج‌البلاغه، ۳۷۴).

هدف تمام انبیاء و اولیاء تربیت و اصلاح انسان بوده است و مؤثرترین ابزار برای رسیدن به این هدف بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است (سلیمی و همکاران، ۱۴۰۰).

امر به معروف و نهی از منکر نه به دنبال خشونت‌ورزی است و نه خواهان تذکری است که موجب رنجش خاطر و کینه‌ورزی اشخاص نسبت به یکدیگر شود. امر به معروف و نهی از منکر نشانه عشق انسان به هم‌نوع است. در آموزه‌های اسلام، مسلمانان از خشونت در روابط اجتماعی و مستبدانه عمل کردن از طرف آمران و ناهیان و همچنین خودخواه و خودپسند بودن مخاطبان منع شده‌اند و به رحمت، عفو، گذشت، مدارا و مطیع آمران و ناهیان مورد اعتماد بودن، دعوت شده‌اند.

با توجه به عناوین و مطالبی که در بالا ذکر شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سوالاتی است که ذهن محققان را مشغول و کنجکاوی آنها را معطوف به خود نموده‌اند. از جمله اینکه: عقلانیت در نگاه فیلسوفان چه جایگاهی دارد؟ عقل، عاقل، رفتار عقلانی و عملکرد عاقلانه از نگاه فلسفه یعنی چه؟ امر به معروف و نهی از منکر چه رابطه‌ای با فلسفه دین و فلسفه سیاست دارد؟ چگونه می‌توان بر اساس نظرات فلاسفه مفاهیم امر به معروف و نهی از منکر را بر اساس مقیاس عقلانیت آسیب‌شناسی کرد؟

**عقلانیت:** ویژگی ذاتی و متمایزکننده انسان از دیگر جانداران، عقل و خردورزی است. عقلانیت نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند، به طوری که هر جامعه برای پیشرفت برنامه‌های آموزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و حتی مذهبی و اخلاقی خود بدان نیازمند است. عقل در بین دیگر قوای ذهنی و در دنیای وجود انسان، از بالاترین ارزش برخوردار است. حقیقت الوهیت را که جوهر ایمان به خداوند متعال است جز با عقل نمی‌توان درک کرد. مهمترین امتیاز انسان قدرت اندیشه اوست.

**معنای لغوی عقلانیت:** واژه عقلانیت، از لحاظ لغوی مصدر است اما مصدري ساختگی است و با اضافه کردن علامت مصدري، یعنی «یت»، به آخر کلمه «عقلانی»، که یک صفت به معنای قابل انتساب بودن به عقل است، ایجاد می‌شود. عقلانیت مصدري است که از صفت عقلانی، به معنای منسوب به عقل ساخته شده است.

از عقل، دو صفت عقلی یا عقلانی ساخته می‌شود. وقتی عقلی به کار می‌رود به این معناست که محصول عقل است اما وقتی اصطلاح عقلانی به کار برده شود اشاره به نوعی ارزش و هنجار نیز هست. یعنی حجیت هم دارد و به نحو شایسته و بایسته است.

**کاربردهای عقل در قرآن کریم و حدیث:** در قرآن کریم عقل به صورت اسم و حتی مصدر بکار نرفته است. ۴۹ بار در این کتاب شریف از مشتقات عقل استفاده گردیده و همه این مشتقات به صورت فعل استعمال شده‌اند. کاربردهای عقل در قرآن به این صورت است: «تعقلون» ۲۴ بار، «یعقلون» ۲۲ بار، «یعقلها» ۱ بار، «نعقل» ۱ بار و «عقلوه» ۱ بار (سعادت، ۱۳۹۳، ص ۵۴).

در قرآن کریم عقل قرین واژه‌هایی قرار گرفته است که توجه به آن ترکیب خاص واژگانی، دستیابی به معنا و مفهوم

عقل را بیشتر تسهیل می‌کند. از این نوع کاربردهای قرآنی، آیاتی است که بین سمع و عقل ترکیب نموده و این دو واژه را کنار همدیگر بکار برده است. همچنین آیاتی که بین قلب و عقل و بین یقین و عقل ترکیب نموده است.

در قرآن کریم عدم تعقل و بهره نبردن از عقل نتایج زیانباری به بار می‌آورد از قبیل: گم کردن راه نجات و هدایت ناپذیری (بقره ۱۷۰)، انجام امور لاهو و لعب (مائده، ۵۸)، داد و فریاد و بی‌ادبی در گفتار و عدم رعایت حقوق مجالست و مصاحبت (حجرات، ۴)، عدم مؤانست با همدیگر و اختلاف و پراکندگی دلها (حشر، ۱۴)، عدم تجربه پذیری از وقایع و امثال (عنکبوت، ۴۳)، توجه و عبادت غیر خدا (ملک ۲۱). رسول اکرم (ص) با عبارت موجزی این مطلب را بیان می‌فرماید: بدون تردید همه خیرات (علمی و عملی) با عقل به دست می‌آید و کسی که عقل ندارد، دین ندارد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸، روایت ۱۴۳).

در حدیث دیگری رسول گرامی (ص) خطاب به امام علی (ع) فرمود: ای علی، عقل چیزی است که با آنها بهشت تحصیل می‌شود و رضای خدای رحمان به دست می‌آید (همان). امام علی (ع) نیز در حکمت نغزی می‌فرماید: خدای متعال عقل را به انسان نداد جز آنکه روزی او را با کمک همان عقل نجات بخشید (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۷ ترجمه دشتی، ص ۵۲۸). در حکمت دیگری بر این مطلب تأکید می‌نمایند: عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد (نهج البلاغه، همان، ص ۵۳۰).

**معنای امر به معروف و نهی از منکر:** «امر» به معنای فرمان دادن و «نهی» به معنای بازداشتن و منع از کاری است. «معروف» یعنی شناخته، مرسوم، خوب، متداول و «منکر» یعنی ناشناخته، ناپسند، ناروا و زشت. معروف هر آن چیزی است که عقل و شرع آن را به نیکی و خوبی می‌شناسند و معرفی می‌کنند



و منکر هر آن چیزی است که عقل و شرع آن را ناپسند می‌دارند (مفردات راغب، ص ۳۴۳). معروف یعنی شناخته و منکر یعنی ناشناخته (گفتار ماه در نمایاندن راه راست دین، ص ۵۴). «امر به معروف و نهی از منکر» لازمه زندگی اجتماعی اسلام است، یعنی به حقیقت در اجتماع قابل تصور و تحقق است. از دیدگاه اسلام این فریضه بر چهار پیش فرض است:

**اجتماعی بودن انسان:** ممکن است انسان بتواند به تنهایی به زندگانی خود ادامه دهد و از دنیا به غاری قناعت کند، اما این زندگی مناسب انسان نیست و مانند زندگی حیوانات است که در بیغوله‌ها به رشد و نمو خود ادامه می‌دهند و فقط در بند رفع نیازهای زیستی خویش اند. از نظرگاه اسلامی، کمال و شکوفایی انسانی در گرو زندگی جمعی است.

**مسئولیت داشتن انسان:** اجتماعی زیستن به تنهایی برای مسلمانی کافی نیست، بلکه باید در قبال اجتماع مسئولیت‌پذیر بود.

**تغییرپذیری انسان:** خمیره انسانی هر تحولی را برمی‌تابد و به هر گونه‌ای می‌تواند جلوه‌گر شود، او می‌تواند خلیفه راستین خدا در زمین باشد، یا شیطانی خُرد و حقیر. این قابلیت امکان رشد و تعالی را برایش فراهم می‌کند.

**حق انتخاب انسان:** انسان اگرچه در جامعه زندگی می‌کند و تحت تأثیر یا فشار قوانین آن است، اما یکسره اسیر آن نیست و می‌تواند در سخت‌ترین شرایط و دشوارترین وضعیت‌ها، راهی را که درست‌تر می‌داند برگزیند و در آن پیش رود. به تعبیر دیگر، جامعه تحمیل می‌کند، اما کسی را ناگزیر نمی‌سازد.

### روش‌شناسی تحقیق

**نوع روش تحقیق:** روش کیفی به کار رفته در این تحقیق، روش «گراند تئوری»<sup>۱</sup> با رویکرد تطبیقی - تحلیلی است.

**روش‌های گردآوری داده‌ها:** گردآوری داده‌ها در گراند تئوری به روش‌های متعددی از جمله مصاحبه<sup>۲</sup>، بررسی اسناد<sup>۳</sup> و مشاهده<sup>۴</sup> حاصل شود که در پژوهش حاضر بررسی اسناد مد نظر بوده است.

1. Grounded Theory

2. Interview

3. Content Analysis

4. Observation

**ابزار گردآوری داده‌ها:** پژوهش حاضر دارای منابع داده‌ها است که شامل اسناد (رساله‌ها و مقالات و کتب) است. برای بررسی اسناد مورد تحقیق و استخراج محتوای موردنظر محقق از فیش‌برداری استفاده نموده است.

**جامعه تحقیق مورد مطالعه:** در این پژوهش از اسناد داخلی و خارجی مربوط به تاریخ فلسفه، فلسفه غرب، نظرات فلسفی اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی، تعلیم و تربیت دینی، سامانه ستاد امر به معروف و نهی از منکر کشور، سامانه دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های آنان، سامانه کتابخانه مرکزی، همچنین منابع علمی و پژوهش‌های داخلی و خارجی منتشرشده مرتبط با موضوع در دانشگاه اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، کتابخانه مرکزی خوزستان و غیره استفاده شد.

**روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:** در این پژوهش برای انجام تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش گراندد تئوری با دیدگاه استراوس و کوربین استفاده شد.



## یافته‌های تحقیق: جایگاه فلسفی عقلانیت

فیلسوف	مقاله «عقل، عاقل و عاقلانه» در نظریه فلاسفه
افلاطون	۱۰۰۰/۱ — درک عالم معقول بدون وساطت تصاویر و فقط به یاری ایده‌ها و مفاهیم مجرد با عقل ممکن است. ۱۰۰۰/۲ — نائل شدن به درک حقایق کلی با عقل میسر است.
ارسطو	۱۰۰۱/۳ — دستیابی به سعادت ابدی در گرو حیات تعقلی است. ۱۰۰۱/۶ — کسب فضایل عقلی به مثابه خلق و خوی و حالتی برای استدلال عقلانیت است.
سقراط	۱۰۰۲/۱ — عقلانیت خودانضباطی برای سنجیدن و رد کردن افکار نادرست و غیرواقعی و جایگزین کردن رشته جدید اصول پذیرفته شده برای عقل به جای این افکار نادرست و غیر واقعی است. ۱۰۰۲/۲ — دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه با شناختن حقیقت از طریق عقل حاصل می‌شود. ۱۰۰۲/۳ — عقل مایه امتیاز بشر است.
یوستینوس	۱۰۰۴ — عقل واسطه و هدایت‌گر انسان به سوی خداست.
آنسلم قدیس	۱۰۰۵/۲ — عقلانیت یعنی توانا شدن عقل پس از ایمان آوردن شخص، برای دستیابی به شناخت و معرفت‌هایی که قبل از آن امکانش فراهم نبود. ۱۰۰۵/۲ — رویت الهی با عقل امکان‌پذیر است.
اکویناس	۲۰۰۱/۱ — عقلانیت باعث هدایت انسان به سوی غایت طبیعی‌اش به سوی کمال انسانی است. ۲۰۰۱/۳ — شناخت خداوند از طریق عقلانی ممکن می‌شود. ۲۰۰۱/۴ — اثبات گزاره‌های دینی خردپذیر به وسیله عقل اتفاق می‌افتد. ۲۰۰۱/۵ — عقل در اثبات گزاره‌های دینی خردگریز که در محدوده عقل قرار نمی‌گیرند و فراتر از عقل هستند ناتوان است. آنها را نه رد می‌کند و نه تأیید. برای فهم آنها باید از ایمان استفاده کرد.
ماکس وبر	۲۰۰۲/۱ — عقلانیت عملی؛ شیوه‌ای از زندگی برای پرداختن به کنش و علاقه فردی است. ۲۰۰۲/۱/۱ — عقلانیت نظری؛ برای شناخت مفاهیم مجرد است نه از طریق فرآیند عمل. ۲۰۰۲/۱/۲ — عقلانیت محتوایی برای بررسی کنش‌ها به طور مستقیم از طریق ارزش‌هاست. ۲۰۰۲/۱/۳ — عقلانیت رسمی برای محاسبه هدفمند و موثر برای دستیابی به هدف است.

<p>۲۰۰۲/۲— عقلانیت قانونی و رسمی، نوعی حاکمیت عقلانیت در نظام بروکراتیک جدید است که به نفی حاکمیت انسان و برقراری حاکمیت تکنولوژی می‌انجامد.</p>	
<p>۱/۲۰۰۳— عقلانیت تجهیز ذهن انسان به تصورات نظم‌بخش برای تنظیم معرفت درباره اشیاء است.                  ۲/۲۰۰۳— ارائه استدلال ثابت در سه رکن ادیان، وجود خدا، اختیار و خلود نفس در توان عقل نیست.                  ۵/۲۰۰۳— عقلانیت یعنی نظم‌بخشی به ورودی‌ها و تصورات ذهن.                  ۶/۲۰۰۳— عقل برای ارائه راهنمایی در گزینش قواعد رفتار و عمل است اما هرگز خود این قواعد را برای ما فراهم نمی‌آورد.                  ۸/۲۰۰۳— عقلانیت داشتن مفاهیم و نمونه‌های عالی برای امکان کمال برخی افعال است.</p>	<p>امانوئل کانت</p>
<p>۲/۲۰۰۴— عقلانیت ارتباطی برای درک و فهم و برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد تفاهم است.                  ۱/۲۰۰۴/۲— عقلانیت مفاهمه و تحقق فهم متقابل یا بینادذهنی است نه کنترل و تسلط بر دیگران.                  ۳/۲۰۰۴— فراهم کردن نظامی متشکل از مبانی، اصول و غایات که در یک چارچوب فرهنگی و تمدن خاص شکل یافته و سامان‌دهنده ذهنیات و رفتار افراد درون آن نظام از طریق عقل ممکن است.                  ۴/۲۰۰۴— عقل برای معرفی هدفی که بیش از هدف دیگر عقلانی است کاربرد دارد. معین کردن چگونگی ارضای خواهش‌ها، سازش دادن آنها با یکدیگر و یا خواهش برای همان چیز از سوی دیگران.</p>	<p>هابرماس</p>
<p>۱/۲۰۰۷— عقل ذهنی برای اندیشیدن به وسایل نیل به اهداف نه به خود اهداف است.                  ۱/۲۰۰۷/۱— عقل عینی برای توجه به وسایل و بیشتر اندیشیدن به خود اهداف است.                  ۲/۲۰۰۷/۱— عقل ذهنی نه به معقول بودن اهداف، بلکه فقط به فواید هر چیزی برای نیل به اهداف می‌اندیشد.                  ۳/۲۰۰۷/۱— عقل عینی بیشتر از وسایل به اهداف تکیه می‌کند.                  ۲/۲۰۰۷— عقلانیت وسیله‌ای برای حسابگری در سرمایه‌داری است.</p>	<p>هورکهایمر</p>
<p>۱/۲۰۱۰— عقل غریزه‌ای حیرت‌انگیز برای ایجاد مجموعه معینی از تصورات در انسان است.                  ۳/۲۰۱۰— کار عقل تعیین ابزارهای لازم برای نیل به اهداف است.                  ۵/۲۰۱۰— عقل در انگیزه دادن به انسان برای عمل به تنهایی ناتوان است. عقل تعیین‌کننده هدف کارهای ما نیست بلکه وسیله مرتبطی است که می‌شود با آن به تعیین اهداف پرداخت.</p>	<p>هیوم</p>

جان لاک	<p>۲۰۱۱/۲- عقل کشف انتقان یا احتمال گزاره‌ها یا حقایقی است که ذهن از طریق احساس یا تعامل به دست می‌آورد. باید دلایل احتمالی را بررسی کند و با سنجش کافی آنها احتمال رد یا قبول با قاطعیت زیاد یا کم آن را بپذیرد یا رد کند.</p> <p>۲۰۱۱/۵- کار عقل کمک به انسان برای کشف قانون طبیعی هم برای تعقیب نفع شخصی و هم به منظور دفاع از نقش مناسب حکومت است.</p>
آگوست کنت	<p>۲۰۱۲/۱- عقل نیرویی مادی و ابزاری در اختیار غرائز انفعالی است.</p> <p>۲۰۱۲/۲- عقل ابزار منفعل صرف برای زیستن حیوانی و ارضاء غرائز زیستی فردی و اجتماعی انسان است.</p>
و بر	<p>۲۰۱۷/۱- عقلانیت کنش عقلایی هدفمند برای گرایش به مجموعه‌ای از اهداف مشخص فردی پیش‌بینی رفتار عوامل بیرونی و افراد دیگر است.</p> <p>۲۰۱۷/۲- عقلانیت کنش عقلایی ارزشی برای باور آگاهانه به ارزش یک رفتار اخلاقی، زیبایی‌شناختی، مذهبی و غیره برای توفیق بیرونی و فقط به خاطر خود است.</p> <p>۲۰۱۷/۳- عقلانیت کنش عاطفی ناشی از تمایلات خاص و وضعیت احساسی شخص است.</p> <p>۲۰۱۷/۴- عقلانیت کنش سنتی برای گرایش به سنت از طریق عادات طولانی مدت است.</p> <p>۲۰۱۷/۵- عقلانیت عملی برای اتخاذ شیوه زندگی دنیایی با لحاظ منافع فردی در وجه عملگرایانه است.</p> <p>۲۰۱۷/۶- عقلانیت نظری برای تضمین مهارکردن آگاهانه واقعیت است، نه از طریق کنش، بلکه از طریق ساختن مفاهیم انتزاعی دارای دقت فزاینده.</p> <p>۲۰۱۷/۷- عقلانیت ذاتی برای هدایت مستقیم کنش به سوی الگوست.</p> <p>۲۰۱۷/۸- عقلانیت صوری مرتبط با عرصه‌های زندگی (اقتصاد، حقوق و علم) و ساختار سلطه (شکل دیوانسالارانه) است.</p>
فوکو	<p>۲۰۱۸/۳- برنامه‌ریزی و هدایت مجموعه‌ای از رفتار انسانی عقلانی است.</p>
اسپینوزا	<p>۲۰۲۰/۱- عقل برای شکافتن زمان و کنار زدن پرده‌ها برای نمایان شدن چهره حقایق سرمدی است. یعنی چهره جوهری یگانه و واحد که علت خود و قائم به ذات است، لایتغیر و لایتناهی و کامل است و در نتیجه کمال وجود است، عین وجود واجب‌الوجود است.</p> <p>۲۰۲۰/۱/۱- عقل توان دستیابی به سر منشأ حقایق است.</p>

ولف	۲۰۲۱- عقل عامل اخلاق و برانگیزاننده عمل اخلاقی است.
پلانتینگاه	<p>۲۰۲۴/۱- عقلانیت یعنی توان دادن به انسان تا فکر کند، دلیل بیاورد و به معرفت برسد.</p> <p>۲۰۲۴/۲- عقلانیت احکام نیرویی است که به واسطه آن می‌توان درستی قضایای بدیهی اولی را دریافت و باورهای خود را با احکام عقلی تطبیق داد.</p> <p>۲۰۲۴/۳- عقلانیت وظیفه شناختی برای عمل کردن به وظایف معرفتی است. یعنی انسان نهایت تلاش خود را بکند که حقایق مهم را باور کرده و تا آنجا که ممکن است از خطاهای مهم بپرهیزد.</p> <p>۲۰۲۴/۴- عقلانیت هدف- وسیله به معنی این است که انسان با توجه به اهداف ویژه‌ای که دارد، کارهای متناسب با آنها انتخاب کند. عقلانیت در اینجا وصف کار قرار می‌گیرد.</p> <p>۲۰۲۴/۵- عقلانیت کاربرد صحیح برای پرهیز از هر نوع گيجی بیمارگونه یا حواس پرتی و بیماری ذهنی است. شرط عقلانیت در این معنا به کارکرد صحیح قوای عقلانی است.</p>
پاسکال	<p>۲۰۲۸/۱- پرداختن به عقل عامل از بین بردن تصویر دوست داشتنی خداوند توسط فیلسوفان است. اگر آنان نبودند انسان‌ها از طریق ایمان و دل، تصویری دل‌انگیزتر و بهتری از خداوند می‌یافتند.</p> <p>۲۰۲۸/۲- شخصی که دارای اعتقاد بیش از حد است دچار رذیلت ساده لوحی یا زودباوری است و شخصی که دارای اعتقاد کمتر از حد تعادل است مبتلا به شکاکیت یا ناباوری افراطی است. برای فضیلت که حد وسط میان دو رذیلت ساده لوحی و شکاکیت است، هیچ نامی وجود ندارد که مقبول همگان باشد، جز عقلانیت.</p> <p>۲۰۲۸/۴- عقل نمی‌تواند به هر جایی از جمله مفاهیم الهی راه یابد. البته اگر عقلی سلیم باشد خود به این ناتوانی خود اقرار می‌کند.</p> <p>۲۰۲۸/۶- عقل در اثبات یا انکار وجود خداوند ناتوان است لذا باورهای دینی معقول هستند.</p>
کارل بارت	<p>۲۰۲۹- عقل مانعی برای شناخت صحیح خداوند است و در شناخت خداوند ناتوان است. هر تفکری که بر عقل تکیه داشته باشد و از عقل آغاز کرده باشد نمی‌تواند به شناخت خداوند دست یابد.</p>
پلاچر	<p>۲۰۳۰- از طریق عقل نمی‌توانیم به شناخت خداوند پی ببریم و خدایی که از طریق عقل شناخته می‌شود نمی‌تواند معرف خدای نجات‌بخش مسیحی باشد.</p>
سولومون	<p>۲۰۳۹- تمامی انسان‌ها از قوه مغزی و تخیل بهره‌مند هستند. هر شخصی با تکیه بر توان عقلی خود به نتیجه واحد و یکسانی دست می‌یابد و اگر تمایزی هم وجود داشته باشد با مدد از عقل مرتفع می‌گردد.</p>

آربلاستر	۲۰۴۲- عقلانیت توانایی منطقی اندیشیدن و محاسبه و استنتاج کردن است.
ابن سینا	<p>۱/۳۰۰۰- عقل نظری به شناخت روش مند هستی‌ها می‌پردازد و عقل عملی شناخت روش مند کلی نسبت به ارزش‌هاست و احکام تجویزی صادر می‌کند که هر کدام مراتبی دارد.</p> <p>۲/۳۰۰۰- انسان با بهره‌مندی از عقل هیولایی فقط از حیوان تمیز داده می‌شود.</p> <p>۴/۳۰۰۰- عقل بالملکه؛ برای درک ضروریات و بدیهیات و کسب نظریات.</p> <p>۵/۳۰۰۰- عقل بالفعل؛ برای اکتساب علوم نظری و اکتسابی.</p> <p>۶/۳۰۰۰- عقل مستفاد غایت خلقت انسان است و رسیدن به عقل مستفاد یعنی مشاهده عقلیات و اتصال به ملاً اعلا.</p> <p>۷/۳۰۰۰- عقل قدسی؛ بالاترین مرتبه عقل است و صاحب آن از ارتباطی مستقیم و حضوری با حقایق عقلی بهره‌مند است. حقایقی را که دیگران با روش‌های مفهومی و برهانی دریافت می‌کنند به طور مستقیم می‌یابد.</p> <p>۸/۳۰۰۰- عقل عملی؛ برای سوق دادن انسان به کار سزاوار. انسان را به اعمال خویش تحریک می‌کند. در معنای اولی قوه شناخت و در دومی اراده و عمل کردن است. مراتب آن به نحو اجمال عبارتند از:</p> <p>۱/۳۰۰۰/۸- تجلیه: تهذیب ظاهر که با عمل کردن به آداب شریعت حاصل می‌گردد.</p> <p>۲/۳۰۰۰/۸- تخلیه: تهذیب باطن که با پرهیز از اخلاق زشت، ملکات بد و خواطر شیطانی مانند بخل، حسد و کینه به دست می‌آید.</p> <p>۳/۳۰۰۰/۸- تحلیه: در این مرتبه قلب پس از تخلیه از رذایل اخلاقی با صور علمی و معارف حقه و ایمانی روشن و آراسته می‌گردد.</p> <p>۴/۳۰۰۰/۸- فنا: آخرین مرحله عقل عمل است که نفس انسان به مدد آن همه چیز را مستهلک و فانی در خداوند می‌بیند و نهایت سیر الی الله است.</p> <p>۱۲/۳۰۰۰- عقل عنصری است که با تمام خلوص ادراک می‌کند و هرگز دروغ نمی‌گوید.</p> <p>۱۸/۳۰۰۰- عقل عملی به پدیده‌های صناعی و اخلاقی مربوط است و خوب و بد و زشت و زیبا و نفع و ضرر را در جزئیاتشان از یکدیگر مشخص می‌سازد و در سوی دیگر عقل نظری به پدیده‌های عملی می‌پردازد و صحیح و ناصحیح و نیز واجب و ممکن و ممتنع را در کلیت آنها از یکدیگر مشخص می‌کند.</p>
علامه جعفری	۳۰۰۱/۱- عقلانیت توانایی انتقال از حیات طبیعی محض به حیات معقول است.

<p>۳۰۰۳/۱- عقل هدایتگر انسان به سوی اعمال صالح و حقایق معارف است.</p> <p>۳۰۰۳/۲- عقل راه نیل به حق و شناخت حقایق را میسر می‌کند.</p> <p>۳۰۰۳/۳- ادراک تمایز میان صلاح و فساد و حق و باطل و صدق و کذب از طریق عقل است.</p> <p>۳۰۰۳/۴- تشخیص خیر و شر در حوزه عملیات و حق و باطل در حوزه نظریات با عقل ممکن می‌شود.</p> <p>۳۰۰۳/۹- منطق احساس، آدمی را به سود دنیوی فرا می‌خواند و بر می‌انگیزاند ولی منطق تعقل انسان را به پیروی از حق وا می‌دارد.</p>	<p>علامه طباطبایی</p>
<p>۳۰۰۴/۱- عقل منبع و مطلع و اساس است و وسیله سعادت دنیا و آخرت.</p> <p>۳۰۰۴/۲- ادراک حقایق امور و تمیز بین خیرات و شرور و امر به افعال پسندیده و نهی از صفات زشت از طریق عقل است.</p> <p>۳۰۰۴/۳- شریعت با عقل درک می‌شود، اگر عقل مذموم باشد، شرع نیز مذموم است، زیرا با عقلی که قابل اعتماد نیست درک شده است.</p> <p>۳۰۰۴/۵- عقل پس از اصل دین بازنشسته می‌گردد، عقل صرفاً آورنده علوم دینی را تصدیق و سپس خود را معزول می‌سازد مانند فردی که مریضی را به طبیب ماهر می‌رساند ولی پس از آن دیگر کاری از او ساخته نیست. یعنی ادراکات عقل محدود است و عقل از شناخت علوم دینی عاجز.</p> <p>۳۰۰۴/۷- دستیابی به معرفت خدا و صدق پیامبران با عقل امکان‌پذیر است.</p> <p>۳۰۰۴/۱۱- عقلانیت توان فراگیری و کسب علوم نظری که وجه تمایز انسان و حیوان است؛ درک بدیهیات اعم از ممکن و محال و انجام مقایسات کمی محدود؛ عقل یعنی مجربات و سایر علوم که برای انسان حاصل شده؛ عقل تعالی استعداد غریزی انسان به حدی که عاقبت‌اندیش شده و به شهوات زودگذری غالب گردیده به طوری که عواقب امور را بتواند درک کند و بر اساس آن عمل نماید.</p> <p>۳۰۰۴/۱۳- عقل می‌تواند ذات و صفات خود را مورد تعقل قرار دهد و در عین حال می‌تواند به همین معرفت خود علم حاصل کند. همچنین عقل می‌تواند در یک طرفه‌العین همه عالم را تعقل کند. عقل می‌تواند به ماهیت و ذات درونی اشیاء راه یابد و اشیاء نامتناهی مثلاً اعداد نامتناهی را درک کند. اگر عقل از بند محسوسات صور خیالی آزاد شود، خطاناپذیر است.</p>	<p>غزالی</p>



<p>۳۰۳۳- انبیاء طیبیان دل‌اند. فایده و وظیفه عقل تنها این است که این حقیقت را تشخیص دهند و به مقام نبوت اعتراف و به ناتوانی خود از درک امور که جز با چشم نبوت نتوان ادراک کرد اقرار و تصدیق کند، دست ما را بگیرد و به مقام نبوت تصدیق کند.</p>	
<p>۳۰۰۵- عقل امر نیک را قبول و قبیح را انکار می‌نماید. مجموع دانش‌هایی است که انسان را از زشتی‌های بی‌شمار باز داشته و به انجام واجبات بسیار وا می‌دارد.</p>	<p>شیخ طوسی</p>
<p>۳۰۰۶- بازداری از زشتی‌ها و واداشتن به انجام واجبات دقیقاً مطابق کارکرد دین توسط عقل محقق می‌شود.</p>	<p>طبرسی</p>
<p>۳۰۰۷- عقلانیت میزان قسط و ابزار تمایز تصورات و تصدیقات است.</p>	<p>شیخ عبده</p>
<p>۳۰۱۰/۱- عقلانیت توانایی دستیابی به بزرگترین خواسته‌ها و مقاصد است.          ۳۰۱۰/۱/۱- شناخت پروردگار به کمک عقل ممکن است.          ۳۰۱۰/۱/۲- کار عقل جداسازی امور صحیح و سودمند از سقیم و زیان‌آور است.          ۳۰۱۰/۱/۳- اثبات وجود خداوند با عقل بدون نیاز به نبوت و پیام آسمانی ممکن نیست.          ۳۰۱۰/۱/۴- ترسیم برنامه مطلوب برای زندگی در سایه رهبری و راهنمایی عقل اتفاق می‌افتد.</p>	<p>زکریای رازی</p>
<p>۳۰۱۱/۱- عقل تا هنگامی که ناقص است نه تنها به یاری دین نمی‌پردازد بلکه اشخاص ناقص‌العقل فساد و شرشان برای دین بسی بیشتر از سودشان است.          ۳۰۱۱/۱۳- انسان‌ها با عقل و خردورزی خویش پروردگارشان را می‌شناسند و عاقل به سبب دلالت عقلش پی می‌برد که خداوند حق است.          ۳۰۱۱/۱۵- عقل معرفت احوال مبدأ و معرفت معاد را فراهم می‌کند.          ۳۰۱۱/۱۷- هرچه خرد انسان‌ها کامل‌تر و بیشتر شکوفا گردد، فهمشان به واقع نزدیک‌تر خواهد بود.          ۳۰۱۱/۲۳- شأن عقل ادراک همه اشیاست. قوه عاقله آدمی به حسب ذاتش قابلیت درک حقیقت همه علوم و معارف را دارد.          ۳۰۱۱/۲۴- عقل ناقص خدمتگذار هوای نفس بوده، همواره با آن مأنوس است و همیشه به استنباط حيله مشغول و به مساعدت‌های نفس می‌پردازد.          ۳۰۱۱/۲۵- عقل انسانی از درک مصالح و مفاسد مذکور و نیز چرایی و ارتباط بسیاری از اوامر و نواهی شرعی با گزاره‌های بنیادین اعتقادی ناتوان است.</p>	<p>ملاصدرا</p>

<p>۳۰۱۱/۲۵/۱- خدای تعالی، اشیایی را بر بندگانش حلال و برخی از اشیاء را بر آنها حرام کرد. عقول بشری از درک چرایی این تحلیل و تحریم و شناخت چگونگی امور حلال و حرام ناتوان است.</p> <p>۳۰۱۱/۲۹- عقل انسانی توانایی‌هایی همچون تجربه، تحلیل و ترکیب امور دارد.</p>	
<p>۳۰۱۳/۶- عقل در برخی موارد قادر به تحصیل معرفتی که لازمه سعادت باشد نیست و خارج از قلمرو عقلی حیطة وسیعی وجود دارد که عقل نمی‌تواند به آن دست یابد.</p>	ابن رشد
<p>۳۰۱۴- عقل نیرویی؛ که بدان خوبی‌ها و بدی‌ها و تفاوت‌ها و زمینه‌های آن شناخته گردد و این، معیار تکلیف شرعی است.</p> <p>عقل ملکه‌ای؛ که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرا می‌خواند.</p> <p>تعقل و دانستن؛ در برابر جهل و نادانی قرار می‌گیرد، نه در برابر دیوانگی.</p>	حر عاملی
<p>۳۰۱۵/۱- عقل، نیرو و قوه‌ای است که منشأ ادراک امور و تمیز خیر و شر است و زمینه معرفت و شناخت علل امور و نیز موانع و شرایط تأثیر آنها است.</p> <p>۳۰۱۵/۱/۱- عقل ملاک تکلیف ثواب و عقاب اعمال است.</p> <p>۳۰۱۵/۲- عقل، آن ملکه و حالت نفسانی است که انسان را به سوی خیر و خوبی فرا می‌خواند و به انتخاب آن دعوت می‌نماید و در نتیجه از بدی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارد.</p> <p>۳۰۳۴- به وسیله عقل می‌توان اسباب امور را شناخت و به آنها معرفت پیدا کرد و همچنین به چیزهایی که به عقل منجر می‌شود و یا از دستیابی به عقل مانع می‌شود، معرفت یافت و عقل بدین معنا ملاک تکلیف و ثواب و عقاب است.</p> <p>۳۰۳۴/۱- عقل ناطقه انسان است که به وسیله آن آدمی از سایر حیوانات متمایز می‌شود.</p>	علامه مجلسی
<p>۳۰۱۶- عقل غریزی که قوه پذیرش علم است و عقل مستفاد، چیزی است که این قوه پذیرش به وسیله آن تقویت می‌گردد.</p>	ابن حسام
<p>۳۰۱۷/۱- عقل نظری آن است که انسان بدان علم چیزی را فرا گیرد که شأنش عمل نیست و عقل عملی آن است که بدان شناخته می‌شود چیزی که انسان به اراده خویش بدان عمل می‌کند.</p> <p>۳۰۱۷/۲- استدلال‌های عقلانی این توان را دارند قوانین را بفهمند و مطابق هاضمه و فاهمه عقل بشری بسازند.</p> <p>۳۰۱۷/۲/۱- قبول براهین عقل خصیصیه مشترک تمام انسان‌هاست.</p>	فارابی

<p>۳۰۱۷/۸- عقل جزیی از نفس است که با دقت در یکایک اشیاء و شناخت و دقت در ماهیت یکایک اجناس اشیاء به فعلیت می‌رسد و کمال می‌یابد.</p> <p>۳۰۱۷/۱۰- انسان کارهای خود را از روی عقل انجام دهد و باید تعقل کامل سلیم و ورزیده داشته باشد تا به نهایت کمال و سعادت نائل آید.</p> <p>۳۰۱۷/۱۱- قوه ناطقه برترین قوه آدمی است و عامل رسیدن فرد به سعادت.</p> <p>۳۰۱۷/۱۲- انسان‌ها برای ابراز عاطفه و احساسات و کنترل آنها از قدرت درک خود کمک می‌گیرند، سپس تحت نفوذ قدرت عقلانی خویش قرار دارند.</p> <p>۳۰۱۷/۱۵- تشخیص افعال خیر و شر با عقل است.</p> <p>۳۰۱۷/۱۵/۱- استنباط و جستجوی علوم و صناعات کار عقل است.</p> <p>۳۰۱۷/۱۵/۲- بازشناسی افعال زشت از زیبا با عقل اتفاق می‌افتد.</p> <p>۳۰۱۷/۱۷- عقل قوه‌ای است که به وسیله آن علم‌الیقین حاصل می‌شود نه بالطبع با بحث و نه با قیاس.</p> <p>۳۰۱۷/۱۸- قوه عقلیه عبارت است از نیرویی که با استناد به اراده انسان به امری که مورد عمل واقع می‌شود، معرفت حاصل می‌نماید.</p> <p>۳۰۱۷/۱۹- قوه نظری آموزنده علوم و قوه عملی بکارگیرنده آن دانش‌هاست.</p> <p>۳۰۱۷/۲۶- عقل که مفکره نیز نام دارد نیرویی ورای حواس ظاهری و مدبر و حاکم بر قوای مصوره است، عقل قادر بر ادراک حقایق و مفاهیم است.</p>	
<p>۳۰۲۱/۸- عقل توان ادراک ذات خداوند و کنه صفات خدا که عین ذات اوست را ندارد.</p> <p>۳۰۲۱/۸/۱- عقل توان درک جزئیات دین را نیز ندارد و تنها در زمینه‌های کلی دین همانند چراغی مناطق کلی را روشن می‌سازد، اما در جزئیات دین حق دخالت ندارد و احکام جزئی دینی مانند تعداد رکعات نماز و بسیاری از جزئیات اصول و فروع دین را درک نمی‌کند و در این موارد عقل، عبد محض است.</p> <p>۳۰۲۱/۹- عقل نظری جنبه ادراکی انسان است که از آن بعد مطالب را می‌یابد و می‌فهمد.</p> <p>۳۰۲۱/۹/۱- آنچه انسان از معلم و از مبادی عالیه درک می‌کند و می‌پذیرد، به وسیله عقل نظری ادراک می‌کند و آنچه انجام می‌دهد و در مادون اثر می‌گذارد، به وسیله عقل عملی است.</p>	<p>جوادی آملی</p>
<p>۳۰۲۴- اصل عقل بندکردن و باز ایستادن است. عقل در انسان نیرویی است که آماده پذیرش علم است و نیز علمی است که از این نیرو به دست می‌آید و از این طریق مانع پیمودن راه خطا می‌شود.</p>	<p>راغب اصفهانی</p>

قاضی اندلسی	۳۰۲۵- عقل، ادراک مانع از خطاست.
ابن عربی	۳۰۲۷/۲- عقل در مقام اکتساب قادر به کسب معرفت نیست.
مصباح یزدی	۳۰۳۱/۴- قلمرو عقل محدود است و عقل تنها در حوزه مفاهیم کلی حکم می‌کند. عقل به برخی از واقعیت‌ها دسترسی ندارد چون خارج از محدوده او هستند.
ابن خلدون	۳۰۳۵- عقل معیار سنجش درستی است که احکام آن یقینی می‌باشد و کذبی در آن نیست.
شریعتمداری	۳۰۳۸/۱- تقویت بعد عقلانی وجود آدمی باعث هدایت او به سمت واقعیت هستی شده و عقل جز در تحت لوای علم شکوفا نمی‌شود.
باقری	۳۰۳۹/۲- عقل در صورت تام خود مستلزم انسجامی وجودی میان شناخت، عاطفه، انتخاب و عمل فرد است. ۳۰۳۹/۳- عقل یک ظرفیت ویژه آدمی است که وی به کمک آن می‌تواند علاوه بر تدبیر امور معیشتی خود، به درک حقایقی از جهان نایل شود و برحسب آنها فهم و تفسیر معینی نسبت به پدیده‌های جهان بیابد. ۳۰۳۹/۳/۱- عقل با در دست داشتن برخی نشانه‌ها و شواهد، حقایقی را درباره خدا درمی‌یابد. ۳۰۳۹/۵- توانایی عقل در دریافت حقایق هستی مطلق نیست، زیرا برخی از حقایق جهان برای عقل دست نیافتنی محسوب شده است.
افلاطون	۱۰۰۰/۷- فلسفه اوج تربیت عقلانی است. در مرحله عالی تربیت عقلانی فرد عاقل فردی است که به «ایده نیک» نائل می‌شود.
ارسطو	۱۰۰۱/۱- همه افراد انسانی موجودات عاقل اند، یعنی توانایی و قابلیت اتصاف به عقلانیت را دارند، اما عقلانیت بالفعل را زمانی دارا می‌شوند که با تحلیلات (قیاس و برهان) به حقایق اشیاء راه یابند و به فعلیت محض نائل گردند.
سقراط	۱۰۰۲/۲- انسان عاقل در اثر تربیت عقلانی به زندگی سعادت‌مندان دست می‌یابد و این نیز تنها با شناختن حقیقت به دست می‌آید.
فارابی	۳۰۱۷/۵- انسان عاقل انسانی است که از نیکویی انتخاب و پرهیز از کردار ناشایست برخوردار است. ۳۰۱۷/۶- عاقل کسی است که هر چیز را در جای شایسته خود قرار دهد.

۳۰۱۷/۱۱ — انسان عاقل یعنی کسی که صاحب معرفت عقلانی عظیم و کردار اخلاقی بی نقص باشد. معرفت عقلی بالاترین ارزش را دارد.	
۳۰۲۶. انسان عاقل معنایش این است که نفس خود را از آنچه مقتضای طبیعت شهوانی است باز می‌دارد.	ابوالبرکات بغدادی

### بررسی مفاهیم مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر بر اساس کدهای انتخابی عقلانیت

مفاهیم	عقلانی بودن بر اساس نظرات فلاسفه
کفایت	هر انسانی برای تشخیص درست از نادرست میتواند به عقل خود متکی باشد و این یک رفتار عقلانی است.
عقل	این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:
برای	افلاطون (۱۰۰۰/۱): درک بدون واسطه افلاطون (۱۰۰۰/۲): درک حقایق کلی
تشخیص	افلاطون (۱۰۰۰/۷): ایده نیک فرد عاقل ارسطو (۱۰۰۱/۳): دستیابی سعادت ابدی
	ارسطو (۱۰۰۱/۶): کسب فضایل عقلی ارسطو (۱۰۰۱/۷): اتصاف به عقلانیت
	سقراط (۱۰۰۲/۱): خودانضباطی عقلی سقراط (۱۰۰۲/۲): زندگی سعادت‌مندانه
	یوستینوس (۱۰۰۱/۶): هدایتگر سوی خدا آنسلیم قدیس (۱۰۰۵/۲): رویت الهی
	آکویناس (۲۰۰۱/۴): اثبات گزاره خردپذیر کانت (۲۰۰۳/۸): نمونه عالی امکان کمال
	اسپینوزا (۲۰۰۳/۸): دستیابی به منشأ حق سولومون (۲۰۰۳/۸): کسب نتایج واحد
	ابن سینا (۳۰۰۰/۱): شناخت روشمند هستی ابن سینا (۳۰۰۰/۶): عقل مستفاد
	ع. طباطبایی (۳۰۰۳/۸): هدایت عمل صالح علامه طباطبایی (۳۰۰۳/۴): تشخیص خیر و شر
	غزالی (۳۰۰۴/۱): سعادت دنیا و آخرت غزالی (۳۰۰۴/۳): عقل مذموم - شرع مذموم
	ز. رازی (۳۰۱۰/۱): دستیابی مقاصد بزرگ ز. رازی (۳۰۱۰/۱/۱): شناخت پروردگار
	ز. رازی (۳۰۱۰/۱/۲): تمیز صحیح و سقیم ملاصدرا (۳۰۱۱/۱۳): دلالت عقل و خردورزی
عدم	فارابی (۳۰۱۷/۲): فهم قانون با استدلال فارابی (۳۰۱۷/۱۵): تشخیص فعل خیر و شر
کفایت	فارابی (۳۰۱۷/۲/۱۵): شناخت زشت و زیبا قاضی اندلسی (۳۰۱۷/۲): ادراک مانع از خطا
عقل	ابن خلدون (۳۰۱۷/۲): معیارسنجش درستی

<p>برای تشخیص</p>	<p>عقل به تنهایی برای تشخیص خوب و بد کفایت نمی‌کند. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>آکویناس (۲۰۰۱/۵): گزاره‌های خردگریز هیوم (۲۰۰۱/۵): انگیزه برای عمل پاسکال (۲۰۲۸/۶): اثبات یا انکار غزالی (۳۰۰۴/۵): عقل بازنشسته و معذول ملاصدرا (۳۰۱۱/۱): فساد دین بیش از سود ابن رشد (۳۰۱۳/۶): معرفت لازمه سعادت جوادی آملی (۳۰۲۱/۸/۱): ناتوان درجزئیات خسرو باقری (۳۰۳۹/۵): دست‌نیافتنی‌ها</p> <p>کانت (۲۰۰۳/۲): استدلال ثابت پاسکال (۲۰۲۸/۴): اقرار به ناتوانی مفاهیم کارل بارت (۲۰۲۹): مانع شناخت خدا زکریای رازی (۳۰۱۰/۱/۳): نیازمند نبوت ملاصدرا (۳۰۱۱/۲۴): خدمتگذار هوای نفس جوادی آملی (۳۰۲۱/۸): ناتوان ادراک ذات مصباح یزدی (۳۰۳۱/۴): محدودیت قلمرو</p>
<p>امر کردن نهی کردن</p>	<p>هدایت انسان‌ها به سوی خوبی‌ها و بازداشتن آنان از بدی‌ها یک رفتار عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>آکویناس (۲۰۰۱/۱): هدایت به سوی کمال جان لاک (۲۰۱۱/۵): کمک به انسان ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸): هدایت به کار سزاوار</p> <p>هابرماس (۲۰۰۴/۲): ارتباط با دیگران فوکو (۲۰۱۸/۳): هدایت رفتار انسانی وبر (۲۰۱۷/۱): پیش‌بینی رفتار افراد دیگر</p>
<p>وظیفه حاکمیت</p>	<p>هدایت انسان‌ها به سوی خوبی‌ها و بازداشتن آنان از بدی‌ها وظیفه حاکم است و یک رفتار عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>جان لاک (۲۰۱۱/۵): دفاع از نقش حکومت هابرماس (۲۰۰۴/۳): طرح نظام و فرهنگ</p> <p>ماکس وبر (۲۰۱۷/۸): عقلانیت صوری</p>

<p>همه انسان‌ها باید برای هدایت هموعان به سوی خوبی‌ها و بازداشتن آنان از بدی‌ها احساس مسئولیت کنند و این رفتاری عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>هابرماس (۲۰۰۴/۲/۱): فهم بینادذهنی  پلاتینگاه (۲۰۲۴/۳): پرهیز از خطای مهم  پلاتینگاه (۲۰۲۴/۴): عقلانیت‌هدف وسیله  پلاتینگاه (۲۰۲۴/۵): کاربست قوای عقل  پاسکال (۲۰۲۸/۲): رفع‌رذیلت و شکاکیت  سولومون (۲۰۳۹): رفع تمایزات با عقل  طبرسی (۳۰۰۶): کارکرد دینی با عقل  مجلسی (۳۰۱۵/۱/۱): ملاک‌ثواب و عقاب  ملاصدرا (۳۰۱۱/۲۵/۱): فهم‌حلال و حرام</p>	<p>احساس مسئولیت * وظیفه انسانی</p>
<p>همه انسان‌ها باید به منظور تغییر دادن وضع موجود به سوی پیشرفت هموعان امر به معروف و نهی از منکر کنند و این رفتاری عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>هیوم (۲۰۱۰/۳): تعیین ابزار اهداف  جان لاک (۲۰۱۱/۵): کشف قوانین طبیعی  ابن‌سینا (۳۰۰۰/۵): عقل‌بالفعل و کسب علم  غزالی (۳۰۰۴/۱۱): توان فراگیری علوم  ع. مجلسی (۲۰۱۰/۳): شناخت اسباب امور  فارابی (۳۰۱۷/۱): فراگیری علم  فارابی (۳۰۱۷/۱۵/۱): استنباط علم و صنعت  فسرو باقری (۳۰۱۷/۱): تدبیر امور معیشت</p>	<p>تغییر و پیشرفت</p>
<p>همه انسان‌ها وظیفه دارند هموعان خود را از شر باز داشته و به خیر رهنمون باشند. این وظیفه در شرع حکم واجب خوانده شده و رفتاری عاقلانه است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>غزالی (۳۰۰۴/۳): درک شریعت با عقل  طبرسی (۳۰۰۶): واداشتن به انجام واجبات  حر عاملی (۳۰۱۷/۱۹): معیار تکلیف شرعی</p>	<p>واجب شرعی</p>

<p>خیر بشریت</p>	<p>همه انسان‌ها وظیفه دارند هم‌نوعان خود را به خیر رهنمون باشند. این رفتاری عاقلانه است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>ارسطو (۱۰۰۱/۶): کسب فضایل عقلی                  ارسطو (۱۰۰۲/۳): مایه امتیاز بشر                  آکویناس (۲۰۰۱/۱): هدایت کمال انسانی                  ماکس وبر (۲۰۰۲/۱/۳): عقلانیت رسمی                  ماکس وبر (۲۰۰۲/۲): عقلانیت قانونی                  ولف (۲۰۲۱): برانگیزاننده عمل اخلاقی                  ابن سینا (۳۰۰۰/۷): عقل قدسی                  فارابی (۳۰۱۷/۱۱): برترین قوه آدمی                  آربلاستر (۲۰۴۲): توان محاسبه و استنتاج                  علامه مجلسی (۲۰۰۲/۱): فراخوان خیر و خوبی                  فارابی (۳۰۱۷/۱۷): حصول علم‌الیقین</p>
<p>مردم و دولت</p>	<p>مردم و دولت در تعامل بوده و انتظارات متقابلی دارند. امر به معروف و نهی از منکر از تعهدات و انتظارات مردم و دولت و همچنین مردم بر یکدیگر بوده و این امری عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>سقراط (۱۰۰۲/۱): خودانضباطی                  ماکس وبر (۲۰۰۲/۱۱): عقلانیت محتوایی                  هابرماس (۲۰۰۴/۲): عقلانیت ارتباطی                  هابرماس (۲۰۰۴/۴): خواهش فرد و دیگران                  هورکهایمر (۲۰۰۷/۲): حساس‌گری سرمایه‌داری                  وبر (۲۰۱۷/۴): عقلانیت کنش سنتی                  وبر (۲۰۱۷/۱): کنش عقلایی هدفمند                  فارابی (۳۰۱۷/۶): هر چیز در جای شایسته</p>
<p>حفظ امنیت</p>	<p>با اجرای امر به معروف و نهی از منکر جامعه پر از خیر و تهی از شر شده و این باعث حفظ و رشد امنیت است که امری عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل‌الذکر به آن اشاره نموده‌اند:</p> <p>سقراط (۱۰۰۲/۱): جایگزین کردن درست                  اسپینوزا (۲۰۲۰/۱): کنار زدن پرده‌ها                  ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۱): تهذیب ظاهر                  ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۱): تهذیب باطن                  ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۳): تخلیه رذایل                  ابن‌سینا (۳۰۰۳/۲): خلوص در ادراک                  ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۴): سیر الی‌الله                  ابن‌سینا (۳۰۰۳/۳): تمایز حق و باطل                  ابن‌سینا (۳۰۰۳/۲): تمایز خیر و شر                  فارابی (۳۰۰۷/۱۵): پرهیز از ناشایست</p>



ساختار دولتی	دولت‌ها برای انجام امورات شهروندان نیازمند ایجاد ساختار هستند. دولت برای امر به معروف و نهی از منکر ساختاری به نام ستاد به وجود آورده و این ساختارسازی یک کار عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته و در کدهای ذیل به آن اشاره نموده‌اند:
ماکس وبر (۲۰۰۲/۱/۳): محاسبه هدفمند	ماکس وبر (۲۰۰۲/۲): نظام بروکراتیک
کانت (۲۰۰۳/۶): قواعد رفتار و عمل	کانت (۲۰۰۳/۸): امکان کمال افعال
هابرماس (۲۰۰۴/۲): ایجاد ارتباط و تفاهم	هابرماس (۲۰۰۴/۳): سازماندهی ذهنیات
هورکهایمر (۲۰۰۷/۱): اهداف و وسایل	جان لاک (۲۰۱۱/۵): منسب‌ها در حکومت
وبر (۲۰۱۷/۱): پیش‌بینی عوامل و امکانات	وبر (۲۰۱۷/۷): هدایت کنش به الگو
فوکو (۲۰۱۸/۳): هدایت رفتار انسانی	پلاتینگاه (۲۰۲۴/۳): عمل به وظایف
پلاتینگاه (۲۰۲۴/۴): کار متناسب با هدف	پلاتینگاه (۲۰۲۴/۵): کارکرد صحیح قوا
آربلاستر (۲۰۴۲): منطق فکر و محاسبه	ابن‌سینا (۳۰۰۰/۱): صدور احکام تجویزی
ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸): اراده و عمل	ابن‌سینا (۳۰۳۳): اعتراف به لزوم نبوت
ابن‌سینا (۳۰۰۰/۴/۱): ترسیم برنامه	ابن‌سینا (۳۰۱۱/۹): تجزیه و تحلیل امور
فارابی (۳۰۱۷/۱۲): کنترل عاطفه و احساس	

### مقایسه تطبیقی دیدگاه‌ها

همان‌گونه که در محتوای جداول ارائه شده بیان شده است، سه مفهوم عقل، عاقل و عاقلانه از نگاه فلاسفه مورد اظهار نظر قرار گرفته است. عقل به عنوان یک ابزار شناخت، عاقل به عنوان فردی که از این ابزار استفاده می‌کند و عاقلانه به عنوان محصول کاربرد این ابزار توسط افراد در نگاه صاحب‌نظران، اندیشمندان و فیلسوفان مصادیق مختلف و متعددی داشته که به شرح آنها در جداول پرداخته شد. بدون شک اکثریت این فلاسفه در دیدگاه خود هم جنبه ذهنی و هم جنبه دینی را مد نظر داشته و با دیدگاه خداپاورانه به اظهار نظر پرداخته‌اند. لذا این دیدگاه خداپاورانه هم با نگاه کلی دینی و هم با نگاه خاص اسلامی قابل اعتنا و قابل پذیرش است. از طرفی، چنانچه از دیدگاه یک شخصیت غیرخداپاور اظهار نظری ذکر شده، به دلیل اینکه با اظهارات فلاسفه دینی و مسلمان منافات و ضدیتی نداشته و کاملاً بر این دیدگاهها منطبق است، لذا چنین دیدگاهی هم عاقلانه و پذیرفتنی است.

بنابراین، معیار محقق در این انتخاب اظهارنظر عقلانی فلاسفه در مورد عقل، عاقل و عاقلانه بوده و تفکیکی برای اندیشمندان و تقسیم بندی آنها به هر دوگانه ای قایل نبوده است. شکی نیست که شناخت عقلی صرف شناخت کاملی نبوده و چنین شناختی برای تکامل نیازمند شناخت دینی خواهد بود که در تدوین نظریات اندیشمندان برای مقوله کفایت شناخت دینی، بیان گردید که بعضی از فلاسفه عقل را برای شناخت کافی دانسته و برخی دیگر از جمله اندیشمندان مسلمان و بخصوص اندیشمندان مسلمان ایرانی تنهایی عقل برای شناخت را تأیید نکرده و دین را برای تکمیل آن ضروری دانسته اند.

### وجه تمایز فلاسفه

تفاوت عمده ای که میان فیلسوفان مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد این است که فیلسوفان مسلمان در کنار عقل به وحی، آثار و متون وحیانی مثل قرآن، روایات و اخبار رسیده از پیشوایان دینی، تمسک می جویند. اما فیلسوفان غیرمسلمان عمدتاً بر اساس روش تعقل فلسفی پیش می روند. به اعتقاد مسلمانان، بین وحی و عقل هماهنگی وجود دارد. بنابراین، خواه از مسیر وحی طی کنیم، خواه از مسیر عقل، به یک نتیجه می رسیم. البته دست مسلمانان در مسائل مختلف بازتر است؛ زیرا به متون و منابع وحیانی متصل هستند، درحالی که فیلسوفان غربی صرفاً بر اساس تعقل پیش می روند.

### توانمندی فلاسفه مسلمان

در نگاه فلاسفه مسلمان توانمندی‌هایی وجود دارد که باعث می شود آن توانمندی‌ها در حل معضلات فکری امروز، نقشی اساسی داشته باشند. مهمترین توانمندی در این است که فیلسوفان مسلمان در کنار عقل به وحی متصل اند و از متون دینی وارد جزئیات می‌شود، در تشخیص مصادیق بسیار از وحی کمک می‌گیرند. به عنوان مثال، در مباحث فقهی، مصادیق عدالت توسط روایات مشخص می‌شود. در مسأله حقوق زن و مرد، حقوق انسان‌ها، حقوق طوایف و اصناف مختلف، فقه مسلمانان ورود کرده و مصادیق عدالت را مشخص کرده است. درحالی که این توانمندی در نظام‌های فلسفی دیگری که متصل به وحی نیستند، وجود ندارد و صرفاً کلیات را بیان می‌کند و وارد جزئیات نمی‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

داده‌های به دست آمده نشان می‌دهند که مفهوم عقلانیت در ۳۴۰ کد از دیدگاه ۹۳ فیلسوف و اندیشمند ذکر گردیده و مطرح شده‌اند. «امر به معروف» یعنی فرمان دادن به نیکی و «نهی از منکر»

یعنی بازداشتن از بدی و ناپسندی. این رفتار از نظر فلاسفه عقلانی تشخیص داده شده از جمله: آکویناس (۲۰۰۱/۱): هابرماس (۲۰۰۴/۲): جان لاک (۲۰۱۱/۵): فوکو (۲۰۱۸/۳): ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸): و ماکس وبر (۲۰۱۷/۱).

در تعریف معروف و منکر، دو سرچشمه برای شناخت آنها بیان شده است: یکی عقل و دیگری شرع. از نظر اسلام این دو تفاوت محتوایی ندارند و فقط از نظر مرتبه متفاوت‌اند. شرع، عقل بیرونی است و عقل، شرع درونی. ریشه هر حکم عقلی را می‌توان در شرع یافت و نتیجه هر حکم شرعی را در عقل جست. این دو همپا و همراهند. بنابراین، با رجوع به متن شرع یا عقل سلیم می‌توان معروف‌ها و منکرها را شناخت.

بر اساس داده‌های فصل چهارم این امر مورد تأیید فلاسفه مختلف نیز بوده و مقبولیت عقل و شرع از نظر اسلام با نظر فلاسفه از جمله افلاطون (۱۰۰۰/۱): افلاطون (۱۰۰۰/۲): افلاطون (۱۰۰۰/۷): ارسطو (۱۰۰۱/۳): ارسطو (۱۰۰۱/۶): ارسطو (۱۰۰۱/۷): سقراط (۱۰۰۲/۱): سقراط (۱۰۰۲/۲): یوستینوس (۱۰۰۱/۶): آنسلم قدیس (۱۰۰۵/۲): آکویناس (۲۰۰۱/۴): کانت (۲۰۰۳/۸): اسپینوزا (۲۰۰۳/۸): سولومون (۲۰۰۳/۸): ابن‌سینا (۳۰۰۰/۱): ابن‌سینا (۳۰۰۰/۶): علامه طباطبایی (۳۰۰۳/۸): علامه طباطبایی (۳۰۰۳/۴): غزالی (۳۰۰۴/۱): غزالی (۳۰۰۴/۳): زکریای رازی (۳۰۱۰/۱): زکریای رازی (۳۰۱۰/۱/۱): زکریای رازی (۳۰۱۰/۱/۲): ملاصدرا (۳۰۱۱/۱۳): فارابی (۳۰۱۷/۲): فارابی (۳۰۱۷/۱۵): فارابی (۳۰۱۷/۲/۱۵): قاضی اندلسی (۳۰۱۷/۲): و ابن‌خلدون (۳۰۱۷/۲): همسو بوده است.

اما بر اساس داده‌های فصل چهارم، برخی از فلاسفه عقل را به تنهایی قادر به شناخت ندانسته و معتقدند عقل به تنهایی برای تشخیص خوب و بد کفایت نمی‌کند. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته از جمله: آکویناس (۲۰۰۱/۵): کانت (۲۰۰۳/۲): هیوم (۲۰۰۱/۵): پاسکال (۲۰۲۸/۴): پاسکال (۲۰۲۸/۶): کارل بارت (۲۰۲۹): غزالی (۳۰۰۴/۵): زکریای رازی (۳۰۱۰/۱/۳): ملاصدرا (۳۰۱۱/۱): ملاصدرا (۳۰۱۱/۲۴): ابن‌رشد (۳۰۱۳/۶): جوادی آملی (۳۰۲۱/۸): جوادی آملی (۳۰۲۱/۸/۱): مصباح یزدی (۳۰۳۱/۴): و خسرو باقری (۳۰۳۹/۵).

از دیدگاه فیلسوفان، هدایت انسان‌ها به سوی خوبی‌ها و بازداشتن آنان از بدی‌ها وظیفه حاکم است و یک رفتار عقلانی است. از جمله: جان لاک (۲۰۱۱/۵): ماکس وبر (۲۰۱۷/۸): و هابرماس (۲۰۰۴/۳).

کمال و شکوفایی انسانی در گرو زندگی جمعی است. اجتماعی زیستن به تنهایی کافی نیست، بلکه باید در قبال اجتماع مسئولیت‌پذیر بود. همه انسان‌ها باید برای هدایت هموعان به سوی خوبی‌ها و بازداشتن آنان از بدی‌ها احساس مسئولیت کنند. این وظیفه انسانی است و نشان از رفتار عاقلانه و عادلانه است. عاقلانه بودن این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته از جمله: هابرماس (۲۰۰۴/۲/۱): پلاتینگاه (۲۰۲۴/۳): پلاتینگاه (۲۰۲۴/۴): پلاتینگاه (۲۰۲۴/۵): پاسکال (۲۰۲۸/۲): سولومون (۲۰۳۹): طبرسی (۳۰۰۶): ملاصدرا (۳۰۱۱/۲۵/۱): و مجلسی (۳۰۱۵/۱/۱).

همچنین از دیدگاه فلاسفه این امر یک رفتار عادلانه است از جمله: افلاطون (۴۰۰۲/۱): افلاطون (۴۰۰۲/۴/۱): افلاطون (۴۰۰۲/۵): افلاطون (۴۰۰۲/۶): افلاطون (۴۰۰۲/۷): ارسطو (۴۰۰۳/۳): ارسطو (۴۰۰۳/۱۶): ارسطو (۴۰۰۳/۲۷): لاک (۵۰۰۲/۳): پوپر (۵۰۰۷/۱): سن (۵۰۱۰/۱): روسو (۵۰۲۱/۴/۱): کانت (۵۰۲۲/۱): کانت (۵۰۲۲/۸): کانت (۵۰۲۲/۹/۲): کانت (۵۰۲۲/۲/۱): مارکس (۵۰۲۳/۲): مارکس (۵۰۶۸/۳): استوارت میل (۵۰۲۴/۲): استوارت میل (۵۰۲۴/۵): استوارت میل (۵۰۲۴/۹): استوارت میل (۵۰۲۴/۱۰): هاجسون (۵۰۶۲): ابن سینا (۶۰۰۴/۲): ابن سینا (۶۰۰۴/۲/۱): خواجه نصیر (۶۰۰۶/۲/۱): خواجه نصیر (۶۰۰۶/۱۰): محمد عبده (۶۰۰۷/۴): مطهری (۶۰۱۲/۱۶): و خسرو باقری (۶۰۳۸/۲).

از نظر قانونی، در جمهوری اسلامی ایران امر به معروف و نهی از منکر مصوبه مجلس بوده و لذا قانون محسوب می‌گردد. از نظر فلاسفه عدالت در پیروی از قوانین است و امر به معروف و نهی از منکر در جامعه قانون‌پذیری را گسترش داده و امری عادلانه است. این موضوع در نظرات فلاسفه مورد اشاره قرار گرفته از جمله: افلاطون (۴۰۰۲/۲): افلاطون (۴۰۰۲/۱۶): ارسطو (۴۰۰۳/۱۴): ارسطو (۴۰۰۳/۱۶): ارسطو (۴۰۰۳/۱۷): ارسطو (۴۰۰۳/۲۶): ارسطو (۴۰۰۳/۳۰): ارسطو (۴۰۰۳/۳۰/۱): ارسطو (۴۰۰۳/۳۱): سیسرون (۴۰۰۵): جان لاک (۵۰۰۰/۲): جان لاک (۵۰۰۰/۳/۱): جان لاک (۵۰۰۰/۳/۲): آندرو هیود (۵۰۲۰/۲): آندرو هیود (۵۰۲۰/۴/۲): آندرو هیود (۵۰۲۰/۴/۳): کانت (۵۰۲۲/۷): دریدا (۵۰۲۵/۱): کیرک (۵۰۲۷): فردریک هایک

(۵۰۳۱/۴/۱): راولز (۵۰۸۰/۲): علامه طباطبایی (۶۰۱۱/۴): کاتوزیان (۶۰۲۹/۱): امام خمینی (ره) (۶۰۳۶/۴) و امام خمینی (ره) (۶۰۳۶/۹):

یکی از مصوبات ستاد امر به معروف و نهی از منکر تفکیک جنسیتی در مراکز عمومی و آموزشی است. بر اساس نظرات فلاسفه زن و مرد از حقوق برابر برخوردارند. عقلانی آن است که شایستگی هر کدام رعایت شود نه یکسانی حقوق. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته از جمله: افلاطون (۴۰۰۲/۱۲/۱): ارسطو (۴۰۰۳/۲۶): هابرماس (۵۰۳۶/۱): داگلاس (۵۰۵۰): داگلاس (۵۰۵۰/۱): داگلاس (۵۰۵۰/۲): پیت ویک (۵۰۵۱): مک‌ایتنایر (۵۰۵۲/۱): فریدمن (۵۰۵۶): کلارک (۵۰۵۹): ابن عربی (۶۰۰۰/۱): ابن عربی (۶۰۰۰/۲): ابن عربی (۶۰۰۰/۳): محمد عبده (۶۰۰۷/۱): محمد عبده (۶۰۰۷/۳): قاسم امین (۶۰۰۸/۱): قاسم امین (۶۰۰۸/۲): قاسم امین (۶۰۰۸/۳): امام خمینی (۶۰۳۶/۵): آیت الله خامنه‌ای (۶۰۳۷/۱): آیت الله خامنه‌ای (۶۰۳۷/۱): خسرو باقری (۶۰۳۸/۱) و خسرو باقری (۶۰۳۸/۲).

یکی از چالش‌های موجود در ایران وجود ساختاری به نام ستاد امر به معروف و نهی از منکر است. دولت‌ها برای انجام امورات شهروندان نیازمند ایجاد ساختار هستند. دولت برای امر به معروف و نهی از منکر ساختاری به نام ستاد به وجود آورده و این ساختارسازی یک کار عقلانی است. این امر مورد تأیید فلاسفه قرار گرفته از جمله: ماکس وبر (۲۰۰۲/۱/۳): ماکس وبر (۲۰۰۲/۲): کانت (۲۰۰۳/۶): کانت (۲۰۰۳/۸): هابرماس (۲۰۰۴/۲): هابرماس (۲۰۰۴/۳): هورکهایمر (۲۰۰۷/۱): جان لاک (۲۰۱۱/۵): وبر (۲۰۱۷/۱): وبر (۲۰۱۷/۷): فوکو (۲۰۱۸/۳): پلاتینگاه (۲۰۲۴/۳):

پلاتینگاه (۲۰۲۴/۴): پلاتینگاه (۲۰۲۴/۵): آربلاستر (۲۰۴۲): ابن‌سینا (۳۰۰۰/۱): ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸): ابن‌سینا (۳۰۳۳): ابن‌سینا (۳۰۰۰/۴/۱): ابن‌سینا (۳۰۱۱/۹) و فارابی (۳۰۱۷/۱۲).

یکی از مهمترین نیازهای روانی بشر، احساس امنیت و آرامش است. امنیت نیازمند مولفه‌های متعددی است و امر به معروف و نهی از منکر یکی از مولفه‌هایی است که برای تحقق امنیت در جامعه مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته است. با اجرای امر به معروف و نهی از منکر وجود افراد و سپس جامعه پر از خیر و تهی از شر شده و این باعث حفظ و رشد امنیت است که امری عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته است از جمله: سقراط (۱۰۰۲/۱): اسپینوزا (۲۰۲۰/۱): ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۱): ابن‌سینا

(۳۰۰۰/۸/۱): ابن سینا (۳۰۰۰/۸/۲): ابن سینا (۳۰۰۰/۸/۳): ابن سینا (۳۰۰۰/۸/۴): ابن سینا (۳۰۰۳/۲): ابن سینا (۳۰۰۳/۳) و فارابی (۳۰۰۷/۱۵).

امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای واجب است، این مسئله آشکار است و هیچ مسلمانی در وجوب آن تردید نکرده است. حتی پاره‌ای از فقیهان آن را از ضروریات دین دانسته‌اند. بدین معنا که انکار آگاهانه آن را مساوی با انکار اصل دین شمرده‌اند (تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۶۲). همه انسان‌ها وظیفه دارند هم‌نوعان خود را از شر باز داشته و به خیر رهنمون باشند. این وظیفه در شرع حکم واجب خوانده شده و رفتاری عاقلانه است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته از جمله: غزالی (۳۰۰۴/۳): طبرسی (۳۰۰۶) و حر عاملی (۳۰۱۷/۱۹).

از اهداف مهم امر به معروف و نهی از منکر در جامعه مقوله پیشرفت است. همه انسان‌ها باید به منظور تغییر دادن وضع موجود به سوی پیشرفت هم‌نوعان امر به معروف و نهی از منکر کنند و این رفتاری عقلانی است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته از جمله: هیوم (۲۰۱۰/۳): جان لاک (۲۰۱۱/۵): ابن سینا (۳۰۰۰/۵): غزالی (۳۰۰۴/۱۱): علامه مجلسی (۲۰۱۰/۳): فارابی (۳۰۱۷/۱): فارابی (۳۰۱۷/۱۵/۱) و خسرو باقری (۳۰۱۷/۱).

خیر بشر در فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. همه انسان‌ها وظیفه دارند هم‌نوعان خود را به خیر رهنمون باشند. این رفتاری عاقلانه است. این امر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته از جمله: ارسطو (۱۰۰۱/۶): ارسطو (۱۰۰۲/۳):

آکویناس (۲۰۰۱/۱): ماکس وبر (۲۰۰۲/۱): ماکس وبر (۲۰۰۲/۱/۳): ماکس وبر (۲۰۰۲/۲): ولف (۲۰۲۱): آربلاستر (۲۰۴۲): ابن سینا (۳۰۰۰/۷): ع.مجلسی (۲۰۰۲/۱): فارابی (۳۰۱۷/۱۱) و فارابی (۳۰۱۷/۱۷).

ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر موجب نابودی در جوامع گذشته بوده است. ارتکاب پاره‌ای گناهان فقط دام‌نگیر شخص گناهکار می‌شود. این گناهان موجب جهنمی شدن افراد است، اما دامان جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند نمی‌گیرد. اما ترک امر به معروف و نهی از منکر نظام اجتماعی را می‌گسلد و شیرازه آن را از هم می‌پاشد.

مردم و دولت در تعامل بوده و انتظارات متقابلی دارند. امر به معروف و نهی از منکر از تعهدات و انتظارات مردم و دولت و همچنین مردم بر یکدیگر بوده و این امری عقلانی است. این امر مورد توجه

فلاسفه قرار گرفته از جمله: سقراط (۱۰۰۲/۱): ماکس وبر (۲۰۰۲/۱۱): هابرماس (۲۰۰۴/۲): هابرماس (۲۰۰۴/۴): هورکهایمر (۲۰۰۷/۲): وبر (۲۰۱۷/۱): وبر (۲۰۱۷/۴) و فارابی (۳۰۱۷/۶):

**آسیب‌های امر به معروف و نهی از منکر در مقوله قانون:** آمران معروف در مقوله قانون‌مداری بخش اعظمی از فعالیت خود را به مقررات پوشش و حجاب اختصاص داده‌اند. هرچند پایبندی به قانون و رعایت مقررات خود یک فضیلت بوده و منافع فردی و اجتماعی به دنبال دارد اما معادل دانستن حجاب با فریضه امر به معروف و نهی از منکر فروگاهی و تحویلی‌نگری است. همچنین با وجود اینکه وظیفه‌شناسی و عمل به وظیفه یک فضیلت است اما بسیاری از شهروندان این را وظیفه‌ی خود نمی‌دانند که به این مقررات عمل نمایند. زیرا وجود چنین مقرراتی را بر خلاف آزادی فردی خود پنداشته و بسیاری از شهروندان، مخالفت با چنین مقرراتی را مبارزه برای آزادی می‌دانند.

بر اساس نظریه سیسرو، اگر بپذیریم که قاعده‌های حقوقی باید با طبیعت انسان هماهنگ باشند، پس نمی‌توانند غیر اخلاقی و ناسالم باشند. وجدان، عقلانیت را انکار نمی‌کند. قواعد حقوقی چون منطبق با انسان است، وجدانی، اخلاقی و شهودی است. انسان‌ها در پس ذهن خود قائل به قاعده اخلاقی هستند، پس یک قاعده غیر اخلاقی مورد قبول انسان نیست. از آنجا که طبیعت انسان با تخریب معروف و تشویق منکر سازگار نیست، لذا اعتقاد به این امر برای انسان‌ها می‌تواند از نظر اخلاقی پذیرفته باشد. لذا نکته قابل اهمیت این است که مقررات و پایبندی به قانون وقتی اخلاقی خواهد بود که متن قوانین با طبیعت انسان هماهنگ باشند.

بر اساس نظریه آکوایناس، قوانین بشری مصوبات مجلس قانون‌گذاری هر کشور هستند، لذا آنچه در شرح وظایف ستاد امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد الزاماً باید قانون مصوب باشد نه نظریه‌های شخصی افراد یا مسئولان دولتی. بنابراین اقدامات خارج از مصوبات مجلس از سوی آمران و ناهیان از این دیدگاه نمی‌تواند معادل قانون در نظر گرفته شوند.

بر اساس نظریات اثبات‌گرایان، آنچه از قانون در شرح وظایف ستاد امر به معروف و نهی از منکر ذکر گردیده، محل اشکال است. زیرا اخلاق نمی‌تواند منجر به یک نظام حقوقی شود چون حقوق از اخلاق تغذیه نمی‌کند.

هگل تشکیل دولت قانونی را مطرح می‌کند نه حاکمیت قانون را. از نظر او دولت قانونی دولتی است که قاعده حقوق را ایجاد می‌کند و از آن تبعیت نمی‌کند. به عبارت دیگر، حاکم به وسیله قانون حکومت می‌کند. لذا هر آنچه خارج از مصوبات قانونی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر در کشور اتفاق می‌افتد از این دیدگاه مجاز نیست.

روسو در بحث قانون، قرارداد اجتماعی را مطرح می‌کند که از طریق آن اراده لازم برای نظم اجتماعی به وجود می‌آید. روسو معتقد است برای اینکه حق و وظیفه به هم پیوند بخورند، ما نیازمند میثاق‌ها و قوانین هستیم. لذا از طریق قانون، عدالت قابل حصول است. انجام وظایف قانونی توسط ستاد امر به معروف و اعضای وابسته همگی برای دستیابی به عدالت هستند که هم مبنای عقلانیت دارند و هم مبنای عدالت و حاصل آن چشیدن لذت عدالت و سود آن ضرر ندیدن از اقدامات اداری و مقرراتی است.

مطابق نظریه سیاسی لیبرال کانت، آنچه به فرد در برابر قدرت دولت اقتدار و پایگاه اخلاقی می‌دهد، همین خودآیینی است. لذا طبق این نظریه آنچه شهروندان را ملزم به رعایت معروف و نکوهش منکر می‌نماید رجوع آنان به عقل است نه مذهب و دولت و احساسات و منافع شخصی آنان.

**آسیب‌های امر به معروف و نهی از منکر در مقوله دین:** در شرح وظایف ستاد و افراد وابسته مواضع اخلاقی اسلامی همانند پوشش و حجاب اسلامی، انجام وظایف شرعی، رعایت اخلاق اسلامی، تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی، رعایت تقوای الهی، تقویت ارزش‌های اسلامی، رأفت اسلامی، معنویت‌گرایی و ... مورد توجه قرار گرفته‌اند.

مطالعات منابع اسلامی و دینی بیانگر این امر است که بعضی کوشیده‌اند تا نظام اخلاقی اسلام را پیامدگرا معرفی کنند و در این راستا اهداف عالی دین اسلام یعنی «قرب الی الله» را شالوده استدلال خود قرار دادند. «مکتب اخلاقی اسلام غایت انگار است، نه وظیفه‌گرا. دلیل ما بر این مدعا آن است که در متون دینی ما (اعم از آیات و روایات) در مقام تشویق و دعوت به انجام کارهای خیر، بر این نکته تأکید شده است که این کارها موجب سعادت، آسایش، اطمینان، فلاح، فوز و مانند آن می‌گردد.

نظام اخلاقی اسلام، یک نظام غایت انگار خودگرا می‌باشد. معنای این سخن آن است که اولاً، فعل اخلاقی در اسلام هدف و غرض (غایت) دارد و ثانیاً، آن هدف و غرض مربوط به شخص عامل است. از نگاه قرآن بالاترین لذت و سرور و ابتهاجی که برای انسان حاصل می‌گردد، لذت حاصل از انس با



خدا، قرب به او و نظر به جمال و جلال الهی است. از این رو می‌توان گفت غایت در نظام اخلاقی اسلام قرب الی الله است.

گروهی از محققان مسلمان قائل به وظیفه‌گرایی در اخلاقی اسلامی شده‌اند. «مکتب اخلاقی اسلام چنان است که برای همه طبقات آدمیان برنامه دارد و از عالی‌ترین مراتب انسانی تا ضعیف‌ترین انگیزه‌های اخلاقی را دربر می‌گیرد. برای انسان‌های بلند مرتبه‌ای چون علی (ع) پایه و اساس وظیفه‌گرایی است. تنها محرک عمل اخلاقی او وظیفه‌بندگی است. اصل تفکر اخلاقی اسلام نوعی وظیفه‌گرایی است. اما به لحاظ این که اکثر انسان‌ها نمی‌توانند بر این اساس عمل کنند، خودگرایی و سودگرایی نیز در مراتب بعدی به عنوان جانشین اخلاق اصیل و والا مطرح می‌شود و به همه انواع انگیزه‌ها پوشش می‌دهد.

وظیفه‌گرایی که در امر به معروف و نهی از منکر باشد، با غایت‌گرایی هیچ تعارضی ندارد. مشکل وظیفه‌گرایی این است که در صورت انجام وظیفه، پیامدهای شوم آن نیز مقبول باشد و تصحیح شود و این چیزی است که نمی‌تواند مورد تأیید اسلام باشد.

**آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر در مقوله پیشرفت:** امر به معروف و نهی از منکر در مقوله پیشرفت به عنوان یک موضع اخلاقی هم می‌توانند مبنای پیامدگرایی داشته باشند و هم ناپیامدگرایی. به عبارت دیگر، تصمیمات اجرایی در امر به معروف و نهی از منکر از یک طرف وظیفه‌ی رابطان ستاد است و از طرف دیگر منفعت جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت. در خصوص منافع این فریضه می‌توان به نکات سودمندانه‌ای اشاره نمود از جمله کنترل و اصلاح وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب. تلاش برای تغییر و اصلاح وضع موجود نیز از جمله مواضع اخلاقی است که می‌تواند هم ناپیامدگرایانه و هم پیامدگرایانه باشد. رکود و ایستایی و سکون برای انسانی که می‌تواند از قوه خواستن و توانستن برخوردار باشد، قابل قبول نیست. حتی در توصیه‌های دینی، گذران دو روز زندگانی مثل هم نکوهش شده است. لذا حرکت، جوشش، کشف و تسخیر پله‌های ترقی و پیشرفت به خودی خود یک ارزش محسوب می‌شود و یک وظیفه بشری و انسانی است، لذا از این جهت چنین دیدگاهی مبنای ناپیامدگرایانه دارد و لذا امر به معروف و نهی از منکر فضیلت محسوب می‌گردد. اما بهتر شدن وضع موجود و تحول در زندگی و داشتن حرکت ارتقایی به سوی کمال و تلاش برای نزدیک شدن به ایده‌آل و

استانداردها در بردارنده منافع، راحتی، آسایش و آرامش نیز هست و از این منظر این امر می‌تواند دیدگاه پیامدگرایانه را القا کند و امر به معروف و نهی از منکر منفعت به حساب می‌آید.

**آسیب‌های امر به معروف و نهی از منکر در مقوله سیاست:** بررسی جایگاه و نقش اخلاق در سیاست و تعامل این دو با یکدیگر یکی از دغدغه‌های اصلی فلاسفه سیاسی و صاحبان اندیشه در طول تاریخ بوده است. پیشگامان اندیشه سیاسی در یونان باستان، سیاست را بر پایه اخلاق استوار کردند. سقراط معتقد بود که دانش سیاسی باید مقدم بر هر چیز، مردم را با وظایف اخلاقی خود آشنا سازد. افلاطون نیز حکومت‌ها را با معیار اخلاقیات محک می‌زند و در نگاه ارسطو سیاست وسیله‌ای برای نیل به سعادت و زندگی اخلاقی است. لذا ارسطو اخلاق را به عنوان مدخلی بر سیاست می‌شناسد و پیوند میان این دو مفهوم، زیربنای تفکر فلسفی او را تشکیل می‌دهد. او سیاست را دانش برتر و غایت آن را خیر انسان تلقی می‌کند، یعنی همان چیزی که علم اخلاق در پی آن است.

در تفکر اسلامی، برخلاف مکاتبی که خاستگاه و پشتوانه اخلاق را وجدان، عرف و... تلقی می‌کنند عقیده بر این است که وجدان بشری به تنهایی قادر به هدایت انسان نیست بلکه باید به آن ایمان به خدا و آموزه‌های وحیانی افزوده شود، چرا که تمام فضیلت‌ها و کمالات بشری در فراسوی انگیزه‌های سودمندی، لذت و سعادت مطرح است و مبتنی بر رابطه معنوی و رضایت خداوند متعال می‌باشد. به عبارت دیگر، خاستگاه اولیه اخلاق در بینش اسلامی، دین و تعالیم مذهبی می‌باشد.

یکی از سیاست‌های دولت در ایران، رعایت تقوای سیاسی است که در شرح وظایف ستاد امر به معروف و نهی از منکر باید به آن پرداخته شود. از جمله مؤلفه‌هایی که بیان‌کننده پیوند اخلاق و سیاست می‌باشد توصیه به مسئولان سیاسی نسبت به رعایت تقوای سیاسی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. رعایت تقوای سیاسی باعث تحقق عدالت سیاسی، اعتماد مردم به سیاستمداران، رعایت اخلاق در سیاست، صداقت و شجاعت و... می‌شود. به هر میزانی که مردم جامعه مسئولان سیاسی را از تقوای سیاسی تهی بدانند به همان اندازه در مقابل پذیرش احکامی چون امر به معروف و نهی از منکر مقاومت کرده و حتی در مقام مخالفت و مبارزه برخوانند آمد.

در اسناد شرح وظایف ستاد امر به معروف و نهی از منکر به مقوله از خودبیگانگی نیز تأکید شده است. اخلاق باید بر حوزه سیاست و قدرت حاکمیت داشته و عاملی برای مهار و کنترل قدرت باشد. یکی از عوامل سقوط و اضمحلال دولت‌ها خدشه‌دار شدن اصول و سجایای اخلاقی است وقتی که گذشته

خود را فراموش کرده و به قدرت حال حاضر خود مغرور می‌شوند. برای علاج روحیه اعتلاءطلبی و تفوق و قدرت‌طلبی که اغلب دامن‌گیر ارباب قدرت است، بهترین عامل برای مهار چنین روحیه‌ای، در وهله اول توجه و عمیق شدن به عظمت و قدرت لایزال خداوند و در مرتبه بعد عمل به سجایای اخلاقی و دارا بودن آنها می‌باشد تا انسان در هنگام تصمیم‌گیری نهایت دقت را به عمل آورد. دولت‌مردان باید از منت نهادن بر مردم که دلیل انحطاط اخلاقی و موجب تحقیر مردم و بی‌ارزش کردن کارها است، پرهیزند و از زیاده‌نمایی در سیاست اجتناب نمایند. یعنی اموری که انجام شده را بیش از آنچه هست، نباید جلوه دهند که این نوعی سفسطه و ریاکاری و خلاف‌گویی است و بدبینی مردم را به همراه خواهد داشت و نیز از وعده‌هایی که نمی‌توانند به آنها جامه عمل ببوشانند، اجتناب ورزند زیرا نه تنها موجب خشم خداوند خواهد بود، بلکه خشم و غضب ملت را هم برمی‌انگیزد و این خود بزرگ‌ترین ضربه را بر پیکر دولت و کشور خواهد زد.

یکی از مغفول‌ترین اقدامات ستاد امر به معروف و نهی از منکر در کشور بحث آسیب‌شناسی امور است. کسب قدرت در جامعه یک هدف نیست تا این که از هر وسیله‌ای در راه رسیدن به آن استفاده شود. در رفتار سیاسی هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، بلکه در راه نائل شدن به اهداف می‌بایست به اصول اخلاقی تمسک جست و خواهان اخلاقی شدن سیاست بود. تعهد عملی به شعارهای سیاسی، باور و اعتقاد راسخ به مواضع سیاسی، پرهیز از خشونت و غضب و زورگویی با مردم، رعایت اخلاق دشمنی با دشمنان و منتقدان و مخالفان، مصادیقی برای سیاست اخلاقی هستند. لذا سیاستمداران لازم است همواره رفتار سیاسی خود را مورد بازبینی قرار داده و آسیب‌شناسی کنند که از اهداف و اصول اولیه انحراف پیدا نکنند. نتیجه آسیب‌شناسی بازشناسی حقیقت و اصلاح وضع موجود به سوی وضع مطلوب است.

### جمع‌بندی

این پژوهش جایگاه عقلانیت را در نظریه‌های فیلسوفان اسلامی و غیراسلامی مورد بررسی قرار داد و هدف آن این بود که با استفاده از مجموعه دیدگاه‌های جمع‌آوری شده بتواند در مورد تصمیم‌ها، قوانین، مصوبه‌ها، رفتارها، اظهار نظرها و توصیه‌های رایج در کشور در خصوص فریضه امر به معروف و نهی از منکر مستنداتی را فراهم و به آسیب‌شناسی بپردازد.

نتایج به دست آمده نشان داد مفاهیم مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر هم از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و هم غیر مسلمان عقلانی بوده و با توجه به اینکه عقل و قوه عاقله منبع مشترک نوع انسان برای شناخت، فهم، درک و قضاوت است لذا پرداختن به این فریضه در سطح جامعه عقلانی بوده و پذیرفتنی است. از جمله این دیدگاه ها میتوان به موارد مهمی چون کفایت تشخیص عقلی برای انسان، امر و نهی کردن خود و دیگران، وظیفه حاکمیت برای امر و نهی شهروندان، احساس مسئولیت در قبال فرد و جامعه، وظیفه انسانی برای هدایت یکدیگر، تغییر و پیشرفت در گرو پیمودن راه درست، وجوب شرعی این امر، خیر بشریت در هدایت شدن، حفظ امنیت جامعه با افزایش خیر و کاهش شر، تعامل مردم و دولت در این امر، ساختار دولتی برای اجرای طرح، پیروی از قانون و یادآوری آن و ... اشاره کرد که با نظرات فیلسوفان همسویی داشته و آنها را عقلانی تشخیص داده اند. همچنین مفهوم امر به معروف و نهی از منکر در چهار مقوله کلی به عنوان قانون، تأکید دین، سیاست نظام و پیشرفت جامعه آسیب شناسی شد. در نتیجه این آسیب شناسی مشخص گردید که بسیاری از اقدامات در این حوزه عقلانی نبوده و به این فریضه مهم آسیب رسانده اند. از جمله این آسیب ها فروکاهی امر به معروف و نهی از منکر به قانون عفاف و حجاب و یا دستورهای منشوری و انضباطی در سازمانها و دانشگاهها، تفکیک جنسیتی در معابر، محافل و برخی ادارات و سازمانها و امتیازی کردن این فریضه و دوقطبی سازی جامعه به خودی و غیرخودی، ارزشی و غیرارزشی، انقلابی و غیرانقلابی و ... قابل ذکر و اشاره هستند.

## فهرست منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

- ارسطو، **اخلاق نیکوماخوس**؛ (۱۳۵۶). ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، نشر دانشگاه تهران.
- ارسطو (۱۳۸۵). **اخلاق نیکوماخوس**. ترجمه حمد حسن لطفی، انتشارات طرح نو.
- ارسطو (۱۳۷۱). **سیاست**. ترجمه حمید عنایت، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- اسپریگنز، توماس (۱۳۸۲). **فهم نظریه های سیاسی**. ترجمه فرهنگ رجایی، نشر آگاه.
- افلاطون؛ (۱۳۵۷). **جمهوری**، ترجمه محمد حسن لطفی، چاپ یکم، تهران: خوارزمی.
- امید، مسعود؛ (۱۳۷۳). **ارتباط دین و اخلاق از دیدگاه یونگ**، کیهان اندیشه، شماره ۵۳.

- ای. جی. اوکانر (۱۳۷۸). جان لاک، ترجمه خشایار دیهیمی (تهران: نشر کوچک).
- ایگلتون، تری؛ (۱۳۸۳). مارکس و آزادی، ترجمه علی اکبر معصومیگی، نشر آگه.
- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل، سید مهدی؛ (۱۳۸۵). درآمدی بر روان‌شناسی دین، قم: انتشارات زیتون.
- باقری، خسرو؛ (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو و غفاری، ابوذر؛ (۱۳۸۰). تربیت اخلاقی فضیلت‌گرا از منظر دیوید کار، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۵۳ و ۵۴.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه.
- براون، استوارت، کالینسون، دایان و ویلکینسون، رابرت؛ (۱۳۸۲). صد فیلسوف قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی، نشر ققنوس.
- بروس، اونی؛ (۱۳۸۱). نظریه اخلاقی کانت، ترجمه علیرضا آل بویه، انتشارات بوستان کتاب قم.
- بنتام؛ (۱۳۸۳). میل و مکتب فایده‌گرایی، ترجمه محمد بقایی، تهران، اقبال.
- پالمر، مایکل؛ (۱۳۸۵). فروید، یونگ و دین، ترجمه محمد دهگان پور، غلامرضا محمودی، چاپ اول، تهران: رشد.
- پرویزی، سرور؛ ادیب حاج باقری، محسن و صلصالی مهوش (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کیفی، تهران: بشری.
- پیتر سینگر؛ (۱۳۹۳). هگل، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات طرح نو، ۱۳۹۳.
- تقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵). بررسی سیر تطور مفهوم امر به معروف و نهی از منکر با توجه به زمینه‌های فرهنگی و تاریخی آن.
- توانایی، محمد حسین (۱۳۹۰). عینی یا کفایی بودن وجوب امر به معروف و نهی از منکر.
- توسلی، حسین (۱۳۸۸). بررسی انتقادی مبانی سیاست در اندیشه جان لاک، مجله علوم سیاسی شماره ۴۸.
- حائری شیرازی، مرتضی. طباطبایی، کاظم. سلیمی، علی. (۱۳۹۹). سازوکارهای اثرگذاری امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن و حدیث. پایان نامه دکتری، دانشگاه قرآن و حدیث، دانشکده علوم و معارف حدیث.

— حسینی، حسن. طرقي، حسن. يوسفی، جعفر. (۱۳۹۹). **روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر و شیوه‌های اجرای آن از منظر فقه**. جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه - مدرسه عالی فقه تخصصی

— جان لاک (۱۳۸۱). **جستاری در فهم بشر**، تلخیص پیرینگل پتیسون، ترجمه رضا زاده شفق (تهران: نشر شفیعی).

جان لاک (۱۳۸۷). **رساله‌ای در باب حکومت**، ترجمه حمید عضدانلو (تهران: نشر نی، ۱۳۸۷) چاپ اول، شماره‌های ۱۵-۱۳۵-۶-۷-۸-۱۲۳-۱۲۴-۸۸-۱۳۵-۹۹-۹۵-۱۳۴-۲۰۸-۱۱۶-۱۲۵-۱۲۲-۴۶-۱۳۸-۱۸۰-۱۸۲-۲۲-۵۷-۶۰-۶۱-۶۳

- جوادی، محسن؛ (۱۳۸۳). **اخلاق**، دایره المعارف قرآن کریم، ج ۲، بوستان کتاب قم. خنیفر، حسین. (۱۳۸۴). تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب. تهران: مدیریت فرهنگ

- خان بیگی، حمزه؛ (۱۳۹۰). **جایگاه اخلاق در اسلام**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. — دایانه کالینسون؛ (۱۳۷۹). **پنج‌جاه فیلسوف بزرگ از تالس تا سارتر**، ترجمه محمد رفیعی، تهران، نشر عطایی.

— دالمایر، فرد (۱۳۸۶). **سیاست مدرن و عمل: تمرین‌های فکری در عرصه نظریه سیاسی معاصر**. ترجمه مصطفی یونسی، نشر پرسش.

— دیوسالار، عبدالرسول؛ (۱۳۹۱). **بازشناسی نسبت مفاهیم پیشرفت و توسعه با تأکید بر اندیشه غرب**. مرکز اندیشه و پژوهش طرح هزاره.

- دیوید راس، **ارسطو**؛ (۱۳۷۷). ترجمه دکتر مهدی قوام صفری، تهران: انتشارات فکر روز.

- راسل، برتراند؛ (۱۳۹۲). **اخلاق و سیاست**، ترجمه علی حیدریان. انتشارات بابک.

— رایان، موریس؛ (۱۳۸۳). **مطالعات مردم‌شناسی دین**، ترجمه سیدحسین شرف‌الدین و محمد فولادی، چاپ اول.

- رضوانی اول و همکاران (۱۳۹۴). **بررسی تحلیل و مقایسه‌ای جایگاه عقل در فلسفه هگل و مولانا**.

— روشنی‌زاده، علی؛ (۱۳۹۳). **تحویلی‌نگری در منشورهای اخلاقی دانشگاه‌های ایران**، مجموعه مقالات همایش پنجم فلسفه تعلیم و تربیت ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- سالیوان، راجر، (۱۳۸۰). کانت، ترجمه عزت‌اله فولادوند، انتشارات طرح نو.
- سبحانی نیا، محمدتقی؛ (۱۳۸۹). بررسی معیارهای هفت‌گانه جرمی بنتام با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، مجله معرفت اخلاقی، شماره دوم.
- سلیمی، علی. (۱۴۰۰). جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در راهبرد حفظ نظم اجتماعی؛ بازخوانی اجتماعی آیات قرآن و روایت‌های اهل بیت. فصلنامه علمی، ۲۶: ۲۱-۴۴.
- شیروانیان، علیرضا و قاسمیان، معصومه؛ (۱۳۹۱). نقش پنج منظومه عمده اخلاقی در تصمیم‌گیری مدیران، پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز.
- شریفی، احمد حسین؛ (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، قم: مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ره).
- صانع‌پور، مریم؛ (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق و دین، تهران: نشر آفتاب و توسعه.
- عادل‌زاده نائینی و همکاران (۱۳۸۰). تحلیل عقلانیت از منظر فارابی و ارائه یک مدل تربیت عقلانی.
- عنایت، حمید؛ (۱۳۶۴). بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، انتشارات دانشگاه تهران.
- غزالی و همکاران (۱۳۹۹). تحلیل نقش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر با تاکید بر نهضت عاشورا و ارائه الگوی تربیتی آن.
- طالبی، اکبر. نوذری، محمد. میرخلیلی، محمود. (۱۳۹۸). بررسی مبانی فقهی نظارت و بازرسی و آثار آن در پیشگیری از جرایم دولتی. پایان نامه دکتری، دانشگاه قم، پردیس دانشگاهی
- طباطبایی، محسن. شریعتمدار، نورالدین، بهروز لک، غلامرضا. (۱۳۹۰). وجوه فقهی نقش مردم در حکومت دینی. پایان نامه دکتری، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- طالبکی، اکبر. اصلانی، فروز. پروین، خیرالله. (۱۳۹۲). بررسی تحلیلی تطبیقی نحوه تحقق اصل هشتم قانون اساسی با تکیه بر الگوی نهاد ملی حقوق بشر و نهاد حسبه. پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. غزالی، سعید.
- فرهادیان، علیرضا. رستمی نسب، عباسعلی. اخلاقی، مسعود. (۱۳۹۹). فلسفه تربیتی امر به معروف و نهی از منکر با توجه به آیات قرآن کریم. رساله دکتری، دانشکده شهید باهنر کرمان.
- فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)، صفحات ۹۶ و ۸۷۴.

- فنایی، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). **دین در ترازوی اخلاق**. ابوالقاسم فنایی، ص ۱۱۶-۱۱۲، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- فرامرز قراملکی، احد؛ (۱۳۸۳). **روش‌شناسی مسئولیت‌پذیری در سازمان**. اندیشه حوزه، شماره ۴۹ و ۵۰.
- کاپالدی، نیکولاس؛ (۱۳۸۳). **بنتام و میل و مکتب فایده‌گرایی**، ترجمه محمد بقایی، تهران: نشر اقبال.
- کاپلستون، فردریک؛ (۱۳۸۰). **تاریخ فلسفه**، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران، نشر سروش.
- کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۹۲). **تئوری عمومی حقوق**، نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۷۲). **حقوق مدنی؛ قواعد عمومی قراردادها**، ج ۱، انتشارات مدرس.
- کاتوزیان، ناصر؛ (۱۳۵۲). **فلسفه حقوق**، انتشارات دانشگاه تهران.
- کانت، ایمانوئل؛ (۱۳۶۹). **مابعدالطبیعه اخلاق**، ترجمه حمید عنایت و علی قیصری، نشر خوارزمی.
- کانت، ایمانوئل؛ (۱۳۸۳). **مابعدالطبیعه اخلاق (جلد اول: فلسفه ی حقوق)**، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران، نقش و نگار.
- کالینسون، دایانه؛ (۱۳۸۰). **پنجاه فیلسوف بزرگ**، مترجم محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات عطائی.
- کورنر، استفهان؛ (۱۳۸۹). **فلسفه کانت**، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات خوارزمی.
- گری، جان؛ (۱۳۷۶). **فلسفه سیاسی جان استوارت میل**، ترجمه دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
- گری، جان؛ (۱۳۸۰). **فلسفه سیاسی فون هایک**، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
- گنسلر، هری. جی؛ (۱۳۸۵). **درآمدی جدید به فلسفه اخلاق**، ترجمه حمیده بحرینی، تهران: آسمان خیال.
- گوته، جرالد لی؛ (۱۳۹۳). **مکاتب فلسفی و آراء تربیتی**، ترجمه محمدجعفر پاکسرشت، انتشارات سمت.
- لارنس سی، بکر؛ (۱۳۷۸). **تاریخ فلسفه اخلاق**، ترجمه گروهی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- لسناف، مایکل ایچ (۱۳۸۵). **فیلسوفان سیاسی قرن بیستم**، ترجمه خشایار دیهیمی، نشر ماهی.
- محیی، بهرام؛ (۱۳۸۵). **فیلسوف عصر روشنگری**، روزنامه اعتماد، شماره ۱۱۱۲.



- مجتبوی، سید جلال‌الدین. (۱۳۹۵). **علم اخلاق اسلامی** (ترجمه کتاب جامع السعادات)، ج ۲، ص ۳۳۰.
- منصورى و همکاران (۱۳۹۳). **تبیین تربیت عقلانی از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری**.  
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ (۱۳۸۰). **فلسفه اخلاق**. احمد حسین شریفی، تهران: نشر بین‌الملل.  
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ (۱۳۷۶). **مکاتب اخلاقی**. مؤسسه امام خمینی، قم.  
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ (۱۳۷۶). **اخلاق در قرآن**، قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره).  
— مصباح یزدی، محمدتقی؛ (۱۳۸۸). **فلسفه اخلاق**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، نشر بین‌الملل.  
- مصباح یزدی، مجتبی؛ (۱۳۷۸). **فلسفه اخلاق**. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).  
- مطهری، مرتضی؛ (۱۳۸۸). **آشنایی با علوم اسلامی**، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوم.  
- مظاهری راد، حمیدرضا؛ (۱۳۸۵). **مروری بر مفهوم رفتار اخلاقی در سازمان‌ها**. هفته نامه پگاه شماره ۱۹۸.  
- مظاهری سیف، حمیدرضا؛ (۱۳۸۵). **اخلاق موفقیت**، هفته نامه پگاه، شماره ۱۹۸.  
— مظاهری سیف، حمیدرضا؛ (۱۳۸۴). **تحریف تعالیم اخلاقی، تباهی تمدن اسلامی**، فصلنامه ۳۷ کتاب نقد.  
- مظاهری سیف، حمیدرضا؛ (۱۳۸۵). **اخلاق دارایی**، هفته نامه پگاه، شماره ۱۹۹.  
— مظاهری سیف، حمیدرضا؛ (۱۳۸۵). **جستجوی ابعاد نتیجه‌گروانه اخلاق اسلامی**، فصلنامه ۳۶ کتاب نقد.  
- مک‌ایتنایر، السدیر؛ (۱۳۷۹). **تاریخچه فلسفه اخلاق**، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: حکمت.  
— ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۱). **راهی به رهایی**، مقاله دین و عقلانیت، ص ۲۶۵—۲۶۸، تهران، نگاه معاصر.  
- ملکی و همکاران (۱۳۹۴). **بررسی فقهی تعهدات حکومت اسلامی در امر به معروف و نهی از منکر**.  
- مور، توماس؛ (۱۳۶۱). **توماس مور**، ترجمه‌ی داریوش آشوری و نادر افشاری، تهران: خوارزمی.  
— مورنو، آنتونیو؛ (۱۳۷۶). **یونگ، خدایان و انسان مدرن**، ترجمه داریوش مهرجویی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

— میرباقری، سیدمحمد مهدی؛ (۱۳۸۷). *دولت اسلامی و تأملاتی در ضرورت فرهنگ دگرگونی*، (انحلال فرهنگ توسعه در فرهنگ تعالی)، فصلنامه نامه دولت اسلامی، شماره ۲.

- میرباقری، سید محمد مهدی؛ (۱۳۹۰). *رابطه عدالت و پیشرفت*، فرهنگستان علوم اسلامی.

- نعمتی، سکینه؛ (۱۳۸۵). *مقاله نقد و بررسی سودگروی اخلاقی جرمی بنتام*، نشر رسالت.

- نقیب زاده، میرعبدالحسین؛ (۱۳۷۲). *درآمدی به فلسفه*، چاپ دوم، تهران: انتشارات طهوری.

- نمازی، حسین؛ (۱۳۷۴). *نظام‌های اقتصادی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.

- وانت، کریستوفر؛ (۱۳۷۷). *کانت*، ترجمه حمیدرضا ابک، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.

— ویل دورانت؛ (۱۳۸۷). *تاریخ فلسفه*، ترجمه عباس زریاب خویی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ بیست و یکم.

- هداوند، مهدی؛ (۱۳۸۸). *بررسی مکاتب فلسفی در حقوق بین الملل*، راهبرد، شماره ۵۰.

- هگل؛ (۱۳۷۸). *هگل*، ترجمه مهبد ایرانی طلب، نشر پروین.

- همپتن، جین؛ (۱۳۷۰). *فلسفه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.

- یونگ، کارل گوستاو؛ (۱۳۵۲). *روان‌شناسی و دین*، ترجمه فؤاد رحمانی، چاپ اول. فرانکلین.

#### ب) منابع انگلیسی

-Almahdi m . 2004 . tovurd a fully and bruly Islamic world . journal of k halifah , 65:60-63

Chisholm, R., A Theory of Knowledge, Printice Hall (1977)

- Arendt, H. 1958. the Human Condition. Chicago : University of Chicago Press.

*An Introduction to the Principles of Morals and* .2000. Jeremy -, Bentham

Kitcheners. ,Book .Batches .*Legislation*

-Blackburn, Simon (1996), "*Oxford Dictionary of Philosophy*", Second Edition, Oxford & New York : Oxford University Press.

Edited By : .*Altruism in : Encyclopedia of Ethic* .2001 .-Blum Lawrence

.New York and London .B. Becker .Becker and Charlotte .Lawrence C

Routledge.

- Burry . R. G. *Plato*; with an English translation by R.G. Burry . Cambridge, Mass. : , 1967-1968
- Cleek, M.A. and Leonard, S.L., "Can Corporate Codes of Ethics Influence Business Ethics, Vol. 17, 1998, pp. 619-630. Behavior?", *Journal of Virtue Ethics in: The Routledge* .1998 .Michel .Roger and Slote .-Crips Routledge. .Edited By : Edwards Craige : London .*Encyclopedia of Philosophy* In : The Routledge Encyclopedia of .-Crips and Capple Utilitarianism (2002)" p.554 -556 ,V.9 .Philosophy
- .Edited by .*Egoism in: Encyclopedia of Ethic* .2001 .Richmond .-Campel .B. Becker. New York and London .Lawrence C. -Becker and Charlotte Routledge.
- Colton and Palmer, (2002), "*Economic development and female labour force participation in Turkey: Time series evidence and cross province estimates*", in Bulutay, T. (Ed) *Employment of Women*, Ankara : State Institute of Statistics.
- Dancy, Jonathan, "*An Ethic of Prima Facie Duties*" in "*A Companion to Ethics*" , Peter Singer, Blackwell Pubilshers, 1993.
- De Benoist, Alain(2008), "*A Brief History of the Idea of Progress*", The Occidental Quarterly, Vol.8, No.1
- Farrel, B. J. and Cobbin, H. M. 2002. "*Codes of ethics, their evolution, development and other controversies*", jornal of management development, .vol.21, no.2.)
- [-Ferguson, A. \(2002\). \*Philosophy, Politics and Society\*. 2002, American Unrivald: The Future of the Balance of Power, Ithaca, NY.: Cornell University Press.](#)

- Foley, R. (1988): "Some Different Conceptions of Rationality" in McMillin (ed), *Constriction and Constraint*, University of Notre Dame Press
- Follesdall, D., 1986: "Intentionality and Rationality" in Margolis, J., M. Krausz, R.M. Burian (eds.), *Rationality, Relativism and the Human Sciences*, Dordrecht (1986)
- Garrett, Jan, "*A Simple and Usable (Although Incomplete) Ethical Theory Based on the Ethics of W. D. Ross*", August 10, 2004
- Habermas, J. 1984. *The Theory of Communicative Action*, vol. 1: Reason and the Rationalization of Society, tr. T. MaCarthy. London: Heinemann
- Hans Reiss, 2002 "*Introduction*", in *Kant*; p. 37. Conjectures on the Beginning of Human History, Reiss, pp. 224-25.
- Hardin, Russell. 1989. "[The Contemporary Crisis in Ethics](#)," In *The World Community in Post-Industrial Society, vol. 3: The Confusion in Ethics and Values in Contemporary Society and Possible Approaches to Redefinitions*. Seoul, Korea: Wooseok Publishing Company: 119-31.
- London. Oxford. 1999. *Objective Prescription*. -Hare R. M.
- Hauptli, Bruce W. "*Lecture Supplement for W. D. Ross, 'What Makes Right Acts Right?'*" 2007.
- Hirst, P.H. (1974). *Moral education in a secular society*, university of london press Ltd.
- Iggers, George G. (1965), "*The Idea of Progress: A Critical Reassessment*", *American Historical Review*, Vol.71, No.1
- Immanuel Kant, *Groundwork of Metaphysic of Morals Translated. With analysis and notes*. by H.J.Patan in the Moral Law

-Immanuel Kant, *Idea for a Universal History with a Cosmopolitan Purpose*, trans, by H. B. Nisbet, Kant: Political Writings, ed, by H. S. Reiss, Cambridge University Press, 1991.

-Immanuel Kant, *The Moral Law, of Groundwork of the Metaphysics of Morals* (1785). ed. H.J. Paton (Hutchinson, London, 1948), ch. 2, pp. 89-90.

-Jaspers, Karl, *Kant*(Form The Great Philosophers, Volume, I) , trans, Ralph Manheim, ed, -Hannah Arendt, New York, A Harvest Book, 1962.

-Joseph L. Miller, "*Survey of Literature related to Work Ethics Pedagogy*", Florida State University. (2008)

-Stevens, B., "An Analysis of Corporate Ethical Code Studies : "Where Do We Go From Here?";Journal of Business Ethics, Vol. 13, 1994, pp. 63-69.

- J.H.Burns and H.L.A.Hart.*An Introduction to the Principls of Morals and Legislatin* .

-Kant Immanuel.1993 *Groundwork of Metaphysic of Morals Translated. With .analysis and notes*. by H.J.Patan in the Moral Law

-Kaptein, M. and Schwartz, M.S., "*the Effectiveness of Business Codes : A Existing Studies and the Development of an Integrated Critical Examination of Ethics*, Vol. 77, 2008, pp. 111-127. *Research Model*", Journal of Business

- Keohane, Robert O. ,1982, *International Institutions and State Power*, Boulder : Westview Press.

-Kontz, Harold, Weihrich, Hein Z. (1993) "*Management : A Global Perspective*", Chapter 2 , management and society : social (responsibility and ethics). Mc Graw-Hill Inc. International. Tenth Edition.

*InThe Routledge* ,1998. *ethic* .-Korsgaard Christine M. Teleological

Routledge. .Edward Craige : London .Edited by *.Encyclopedia of Philosophy*

- Langlois, C. 1993. " *national character in corporate philosophies, how different is japan?*", European management journal, vol. 11, no. 3.
- Marshal rasmusn .1377.descriptive resrch . translated by A.parsaeyan.
- Marx,k.1975. Early Writings, trans.R.Livingston and G.benton, London : Penguin.
- Mazzeo, Joseph Anthony(1967), Renaissance revolution : the remaking of European thought,oxford
- Mcdonald, G.M., "An anthology of codes of ethics", European Business 2009, pp. 344-372. Review, Vol. 21, No. 4, Kitcheners. .Batch books .J. S.2001.*Utilitarianism* .-Mill
- Mill John, *Utilitarianism* (New York : Library of Liberal) (Arts1957)
- Mommsen, Janet H (2004), Gender and Development, London : Routledge.
- an.-Norman, Richard (1998), 2nd Edition, " *The Moral Philosophers Introduction to Ethics*", New York : Oxford University Press.
- Poulard H. (1992). Methods of population analysis. Trans. Agha H, Ayatolahi A, Seyfi M, Abbasi R. 2nd ed. Shiraz, Iran : Shiraz University Press.
- P.S. Hacker and J. Raz, *Law, morality and Society* (1977). published by oxford , -Planting . A(1993)warranted the current debate usniversity press us .
- published by oxford university .,-Planting . A.(2000)warranted Christian belief
- Reiss, Hans, " Introduction", in Kant : Political Writings, ed. by H. S. Reiss, Cambridge University Press, 1991.
- Robert Cavalier, *Online Guide To Ethics and Moral Philosophy* part\ II, s. 4, p. 1.

- Roland, J. F. ( 1992) : "Planning Theory and Development", Discussion Paper No,

32. Vancouver.

- Ross, W.D., *The Right and The Good*. Oxford University Press. 2002.

- Ross, W.D., *Foundations of Ethics* Oxford University Press, 2000.

- Schuler, Jeanne A. ( 1995), "Reasonable Hope : Kant as a Critical Theorist", History of European Idea's

- Singh, J. b , 2006 . " *A comparison of the contents of the codes of ethics of canada's largest corporations in 1992 and 2003*", journal of business ethics, vol. 64.

.1979. In: *Theory Of Ethics* .J. J. Extreme and Ristricted Utilitarianism .-Smart London Glasgow .Oxford University Press .Edited -By : Philippe Foot .New York/London .J. J. 1973. *Utilitarianism for and against* .-Smart Cambridge University Press.

.1979. In: *Theory Of Ethics* .J. J. Extreme and Ristricted Utilitarianism .-Smart London Glasgow .Oxford University Press .Edited -By : Philippe Foot

- Shato zhazk . 1384 . great teachers translated by Gholom . Hossein shokuhi . Tehran university

Edward craig general Editor) : "encyclopedia of pilosoophy 1998 routledge Newyork volume 7, press

- Stenmark, Mikaeal, *Rationality in Science, Religion, and Everyday Life*, University of Notre Dame Press (1995) Sousade R., *The Rationality of Emotion*, Cambridge (1990)

- Stark, w. Jeremy Bentham; *Economic writings*, London, Allen and Unwin, 1952, vol III, p421.

-Stratton- Lake, Philip. "Introduction", in "The Right and the Good", Ross, W. D. Oxford University Press. 2002.

-Strauss, Leo (1959). "On the Basis of Hobbes's Political Philosophy," in What Is Political Philosophy?, Glencoe, IL: The Free Press, chap. 7.

